

نشریه علیه سرمایه

تربیبون کارگران ضد سرمایه داری

مهرماه 1399

شماره 30

نگاهی به رویکردهای اجتماعی کارگران ایران

با شروع دهه 50 خورشیدی دور جدیدی از مبارزات طبقه کارگر ایران آغاز شد. کارگران با سرمایه ستیزی خودجوش خویش و فارغ از حضور بالاسری سندیکاها و احزاب، با مبارزات و اعتصابات متعدد توانستند عقب نشینی هایی را به طبقه سرمایه دار و دولتش تحمیل کنند و دستاوردهایی را، بخصوص افزایش چشمگیر دستمزدها، کسب نمایند. با بروز بحران اقتصادی اواخر سال 55 که ارکان جامعه ایران را درهم پیچید، مبارزات کارگران به جنبشی سراسری علیه حکومت سلطنتی سرمایه داری تبدیل شد. این جنبش که اسیر همه کج راهه های مستولی بر طبقه کارگر جهانی قرن بیستم بود خود را تسلیم جناح فاشیستهای اسلامی سرمایه داران کرد و به طرز فاجعه باری شکست خورد.

با شروع فروپاشی سلطنت، استقرار جمهوری اسلامی سرمایه، اوجگیری مبارزات توده های کارگر در کارخانه ها و در سطح جامعه برای تحقق مطالبات نازل معیشتی و اجتماعی خویش و سرکوب این مبارزات توسط رژیم اسلامی سرمایه، بخشی از طبقه کارگر، بخصوص جمعیت وسیع کارگران جوان، فوج فوج به احزاب و گروههای مخالف جمهوری اسلامی پیوستند. تعیین تکلیف با اینان مهم ترین اولویت سرمایه داران حاکم و دولت اسلامی گردید. کشتار و به زندان انداختن وابستگان به احزاب و گروهها در نیمه اول دهه 60 و قتل عام هزاران نفری آنان در سال 67 آرامش گورستانی را نصیب سرمایه داری ایران و حاکمان روز سرمایه کرد.

با استقرار جمهوری اسلامی اکثریت توده کارگر غرق در دریای توهم، خود را پیروز پنداشتند. توده کارگر در سال 57، اسیر رویکردی بود که بسیاری از کارگران دنیا به آن آویزان بودند. این خیال باطل که منشأ کل مشکلات در وجود رژیم ها است. اگر نوع "وابسته"، غربی یا شرقی آن ساقط گردد، همه معضلات حل خواهد شد! کارگران خود را پیروز می پنداشتند ولی از همان اواخر سال 57 در سراسر ایران در جنگ و جدال با سرمایه داران خصوصی و دولتی بودند. مبارزه جبر زندگی کارگر است حتا اگر کوله باری از توهم بر دوش داشته باشد. تا دهه های بعد این اعتراضات و بیکارها در حصار و محدوده آویختن به قانون کار، سناریوی فریب انتخابات، چشم دوختن به تفاوت میان جناح های درون حکومت، انتخاب بین بد و بدتر و توهم به نتیجه صندوق رأی دنبال می شد.

اکنون و بعد از گذشت بیش از 40 سال، غرق در گورخوابی، در منتهای فقر و بیکاری، اسیر تبعیضات جنسی و هزاران بلا و فجایع هولناک دیگر، رویکردهای اجتماعی طبقه ما سیمای متفاوتی به خود گرفته است. امروز میلیونها خانواده کارگری آنچنان از نفرت نسبت به آنچه سرمایه و دولت هار سرمایه بر سرشان آورده است عاصی هستند که جنایت

آفرینی های جمهوری اسلامی قادر به مهار خشم و عصیان آنها نیست. رویکرد های اجتماعی افشار طبقه ما در شرایط فعلی از این قرار است.

1- در ابتدا اشاره ای به هواداری از سلطنت در میان کارگران کنیم. هواداری از سلطنت در میان دولایه از کارگران نمود بیشتری دارد. لایه نخست، بهبود زندگی و شرایط کارش را بیشتر از آنکه در جنگ متحد و متفق طبقه خویش علیه سرمایه ببیند، در فعالیت های انفرادی، توسل به کارفرما، دخیل بستن به قانون و نهادهای قدرت و نوع این ها جستجو می نماید، در راه اندازی اعتصابات نه پیشگام که سیاهی لشکر است. اینان به صورت نسبی سهم بسیار نازل تری در مبارزه و اعتراض دارند. لایه دوم، قشر بالائی یا مرفه طبقه کارگر است. واقعیت آنست که این قشر به گونه ای محسوس و فاحش، تا کنون بیشتر از سایر افشار کارگر اسیر قانون گرایی، محافظه کاری و اصلاحات سالاری بوده است. اگر از رفاه حداقلی، تخصص و مدرکی برخوردار است - که معمولاً چنین است - به جای آنکه این امکانات را ساز و کار پیکار مؤثرتر و رادیکال تر علیه سرمایه نماید، در جهت عکس به کار می گیرد. این ها را ساز و برگ بده و بستان با صاحبان سرمایه و دولت سرمایه داری می کند، دلیلی برای هویت متمایزش از توده های طبقه خود می نماید، تا آنجا پیش می رود که از کارگر خواندن خود نیز ابا دارد. مدال «طبقه متوسط» بر سینه می آویزد!! بر پایه آنچه تاریخ مبارزه طبقاتی می گوید و تجارب به ما می آموزد، هیچ کدام این دو لایه از کارگران حداقل در ایران و جوامع مشابه، در سیر مبارزات طبقه کارگر اهل نقش آفرینی نبوده و مکانی احراز نکرده اند. معنای این سخن آن است که جنبش سرنگونی طلبانه مورد نظر منتظران رضا پهلوی را لایه های مورد اشاره نمی توانند پدید آورند زیرا اهل راه اندازی جنبش نیستند. نکته بسیار مهم آنست که لحظه، لحظه ابراز هستی این دو لایه از همزنجیران طبقه ما تابعی از توازن قوای میان جنبش کارگری و طبقه سرمایه دار است. هر گام رادیکال تر، تعرضی تر و سرمایه ستیزتر پیکار کارگران می تواند انفعال و فروماندگی، محافظه کاری و قانونگرایی آن ها را در هم بشکند.

2- بخش وسیعی از طبقه ما شورشهای دی 96 و آبان 98 را در کارنامه خود دارند، زنان کارگرند که علیه ستم جنایتکارانه جنسی می شورند، کارگران شاغل در مراکز کارند که بطور مستمر و در سرتاسر ایران اعتصاب می کنند. در نقطه، نقطه این جهنم، صدای اعتراض کارگران علیه کشتار حقوق و آزادیها در خروش است، آمار تعداد این اعتراضات بسیار زیاد است. در همین یک سال، بیش از 4000 اعتصاب در کارنامه خود داشته اند. این بخش از کارگران هم اکنون چندان به دار قانون و قرار، حقوق و نظم سرمایه آویزان نیست، به قدرت مبارزه خود اتکا دارد و شیفته سندیکاسازی نمی باشد. اما این شاخصها را در پروسه یک پیکار استخواندار با جهتگیری ضد سرمایه داری به دست نیاورده است. فشار اقتصادی و قدرت سرکوب سرمایه او را از مبارزه قانونی، از سندیکالیسم و حزب بازی، مأیوس کرده است. در نتیجه آنچه به دست آورده، بی ثبات، لرزان و بی قوام است و در سر بزنگاههای حساس، این نقطه قوت ها را از دست خواهد داد. مبارزات کارگران هفت تپه مثال بارز این رویکرد می باشد. این درست است که در مبارزات اخیرشان از شعار چندی آور "بازاری با غیرت حمایت، حمایت!" خبری نبود اما از دست یاری دراز کردن به سوی سایر کارگران هم اثری دیده نمی شد. در دور جدید مبارزه از "اداره شورائی" کمتر سخنی به میان آمد. گسترش خواست اداره شورایی محتاج این است که خود را نه کارگر یک کارخانه که جزئی از طبقه کارگر بدانیم. معلم و راننده و پرستار، کارگر آب و برق و نفت را جدای از خود نشماریم و به سراغ آنها رویم. سوء تعبیر نشود کارگران هر مرکز کار نمی توانند اعتراض خود را موکول به همراهی سایر کارگران کنند. صحبت از گسترش و تعمیق و تحقق واقعی اداره شورایی است که بدون مبارزه متحد جمعیت کثیری از مراکز کار و تولید صورت نمی گیرد. اگر تدارک و سازماندهی این همراهی در دستور کار همه کارگران هفت تپه قرار نگیرد بناگزی شعار اداره شورائی رنگ می بازد

و شعار فریبکارانه و توهم آلود "مدیریت دولتی زیر نظر شورای کارگران!" پر رنگ می شود. وقتی این مبارزات در اعتصابات کارخانه ای و با هویت کارگر هفت تپه، هپکو، راه آهن، شرکت نفت یا نوب بودن خلاصه شود و اگر قطب مقابل کارزار نیز فقط صاحبان همین مراکز و مؤسسات در نظر گرفته شوند برای فیصله یافتن جدال، تحسن در مقابل مجلس، شکایت به این یا آن نهاد دولت سرمایه تنها راه است! اینجا است که شعار ارتجاعی "دولتی شدن کارخانه!" از دهان کارگران شنیده می شود. حکومت جمهوری اسلامی سرمایه زیر فشار بحران و فروپاشی چرخه تولید سرمایه داری به سردواندن و سرد کردن آتش اعتراضات کارگران از هر راه ممکن دست می زند. ادامه این مسیر بی نتیجه و فرسایشی، راه را برای دخیل بستن کارگران خسته و ناامید به اپوزیسیونهای ارتجاعی چپ یا راست باز خواهد کرد!

3- کارگران هوادار احزاب و گروه ها، آنها که از آماج اعدام ها جان به در بردند و به دنبال زندان و شکنجه و آوارگی هنوز در داخل ایران به سر می برند چه وضعیتی دارند؟ اشاره ما به افسردگان، به کناره گیران از سیاست، آنهایی که به کارهای خیریه می پردازند، در محافل ورزشی و فرهنگی چرخ می خورند، به درماندگان اسیر آکادمیسم، نیست. از آنهایی سخن می گوئیم که هنوز در مبارزات کارگران به فعالیت می پردازند، بعضا در میان کارگران اعتبار و نفوذی دارند اما میان نقش آفرینی آنها با نیازهای پیکار طبقاتی جاری توده کارگر تجانسی وجود ندارد. توده های کارگر ایران به حکم شرائط زندگی، کار و استثمار، در واکنش خود جوش طبقاتی به فشار گرسنگی، فلاکت، آزادی کشی، تبعیضات جنسیتی، کودک آزاری و سایر مصائب مولود سرمایه داری به قدرت خود اتکا می کنند، فعالان، این قدرت را در سندیکاسازی دهن می نمایند. کارگران راه تحمیل خواست های خود را در تعطیل چرخه تولید سرمایه داری، در مختل سازی نظم اقتصادی و سیاسی سرمایه می بینند، فعالان، آنها را بست نشین وزارت کار و مجلس می کنند. کارگران بساط آویختن به حزب و گروه و هر نیروی بالای سر را کم یا بیش جمع کرده اند، فعالان، کارگران را به عضویت در سندیکا و کمیته و کانون فرا می خوانند!! شالوده دخالتگری، فکر، هوش و حواسشان این است و رسالت خود را همین می دانند که کارگر هفت تپه، فولاد اهواز، عسلویه، راه آهن، خودروسازی یا هر مرکز کار دیگر، معضل روزشان را با اعتصاب، اعتراض و تظاهرات در محدوده و آویزان به قوانین و نهادهای سرمایه چاره کنند و فراتر از آن را به رهبران! و نظریه پردازان آلترناتیو ساز! محول می سازند. برای قدرت واقعی مبارزه توده همزنجیر ارزش قائل نیستند، چشم به بالا دارند و در انتظار ظهور منجی هستند.

4- عصاره رویکرد ضد سرمایه داری این است که ما کارگریم اما به فروشنده نیروی کار بودن اعتراض ریشه ای داریم. از اینجا آغاز نمی کنیم که حقانیت وجود و بقای سرمایه داری تقدیر زندگی است! بنیاد جدال ما با سرمایه این نیست که مزد بگیر بودنمان مفروض است و فقط مزد بیشتر می خواهیم! ما ضد استثمار خویش توسط سرمایه ایم، علیه کار مزدی و خواستار نابودی خرید و فروش نیروی کار هستیم. برای ما میدان کارزار فقط خاص دستمزد، شرایط کار، بیمه، بازنشستگی و نوع اینها نیست. ریشه کل سیه روزی های انسان را در وجود سرمایه می بینیم. سرمایه داری زمین و زمان زندگی بشر را با آلودگیهای زیست محیطی و بیماریها بمباران کرده است. زنان را زیر آوار کار خانگی تپاه ساخته و کارخانگی را سرچشمه کاهش هزینه های چرخه تولید و افزایش سود کرده است. رشد آزادانه و انسانی زنان را صدها بار بیش از مردان، سد نموده است. مذهب، نژاد، قوم و ملیت را سلاح قدرت خود و ابزار سلاخی طبقه کارگر و جنبش کارگری کرده است. مبارزه علیه هر ستم، تبعیض، ناحقی، سلب حقوق و آزادیهای سیاسی، مبارزه برای رفع ستم جنسی، تأمین حقوق اجتماعی و محو تبعیضات نژادی، قومی و دینی، رفع آلودگیهای زیست محیطی نیز همگی سنگرهای مبارزه با سرمایه داری است.

شالوده جدال و نقطه عزیمت کارزار جاری ما این است که همه سرمایه ها و ثروت ها حاصل کار مستقیم یا غیرمستقیم همه آحاد طبقه کارگر است. از کل طبقه کارگر صحبت می کنیم، شاغل و بیکار و بازنشسته، مولد و غیرمولد، کارگر صنعتی، کشاورزی، رستوران، هتل، خانه دار، راننده، معدنکار، نظافتچی، پرستار، معلم یا خبرنگار بودن موجد هیچ تفاوت و منشأ هیچ امتیاز یا تفکیکی نیست. سرمایه داری ما را از تسلط بر کار و محصل کارمان جدا می سازد. ما بر سر تعیین سرنوشت کل کار و تولید طبقه خویش جنگ داریم. می خواهیم کل توده کارگر، زنان به اندازه مردان، بدون هیچ تمایز جنسی، اعتقادی، قومی، نژادی، در باره کار، تولید و زندگی خود تصمیم بگیریم. می خواهیم تعیین کنیم که چه تولید نماییم و کدام تولیدات را متوقف سازیم، چه بخش از حاصل کار و تولیدمان مصرف روزانه شود و چه بخش به دارو، درمان، آموزش، پژوهش، اکتشافات تکنیکی و علمی، نگهداری سالمندان و معلولان یا هر حوزه دیگر اختصاص یابد. مقدم بر هر چیز می خواهیم که هیچ ریالی از فرآورده کار ما صرف نهادهای دولتی، نظامی، پلیسی، حقوقی، قضائی، ارتش، سپاه، بسیج، حوزه علمیه، مسجد، حسینیه و مانند این ها نگردد. کل اینها دستگاههای نظم و نظام سرمایه داری هستند. ابزار سرکوب فیزیکی و فکری مایند. انگل های بلعیدن حاصل کار و تولید ما می باشند.

برای انجام این امور باید به چرخه تولید سرمایه، به نظم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی سرمایه داری یورش برد. باید کارخانه، کشت و صنعت، مزرعه، سد، بندر، هر مجتمع صنعتی، شبکه حمل و نقل، آب و برق، روزنامه، بیمارستان، همه مراکز کار و تولید، کلیه مستغلات و خانه های خالی سرمایه داران را از دست مالکان سرمایه و دولت آنها خارج ساخت. حجاب اجباری را باید دور انداخت، تمامی قوانین موجود پاسدار نظام بردگی مزدی را باید مختل و منحل کرد. مبارزه، اعتصاب و برپائی شوراها باید دارای این جهتگیری گردند و در این راستا به کار افتند. در غیاب این جهتگیری ها، آنچه باقی می ماند همان است که تا حالا بوده است. رژیم ستیزی توخالی و چانه زندهای سندیکالیستی، کارها و رویکردهائی که جنبش کارگری جهانی را به وضعیت فاجعه بار موجود انداخته است.

کارگران ضدسرمایه داری – شهریور 1399

فراخوان بازگشت به مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری

1- داده های آماری بانک مرکزی رژیم اسلامی، متوسط اضافه ارزش سالانه تولید شده توسط توده های کارگر را بیش از 1300 تریلیون تومان گزارش می کند. همه می دانند، حتی حاکمان سرمایه به کرات گفته اند که بنیادها و بنگاههای مالک بخش عظیمی از سرمایه اجتماعی ایران هیچ گزارشی در باره محصول اجتماعی سالانه خود تحویل مراکز آماری نمی دهند. اینکه هولدینگ ها و غول های عظیم الجثه صنعتی و مالی سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، آستان قدس، ستاد اجرائی فرمان خامنه ای کدامین ارقام کهکشانی اضافه ارزش را به خود اختصاص می دهد نمی دانیم، اما یک چیز روشن است. متوسط اضافه ارزش تولید شده توسط طبقه کارگر ایران در هر سال از 2000 تریلیون تومان کمتر نیست.

2- هر سال حجم عظیم سودها و سرمایه های بالا را تولید می کنیم و خود، در آتش فقر، فلاکت، گرسنگی، بی خانمانی، بی آبی، بی داروئی، بیکاری و سایر سیه روزی ها می سوزیم، شش ماه، شش ماه حتی بهای محقر نیروی کار خود را دریافت نمی کنیم، گرسنه و زیون در گورها می خوابیم، زیر فشار فقر تن به فحشاء می دهیم، به فروش مواد مخدر رو می آیم. جمعیت 50 میلیونی نفوس طبقه ما در دهکهای اول تا پنجم «درآمدی» قرار دارند. میانگین عایدات هر خانوار این دهکها با محاسبه شهری، روستائی بودن، درصد افزونتر جمعیت شهری، کثرت نفوس هر دهک و مؤلفه های دیگر

از 13 میلیون تومان در سال بیشتر نیست. اگر این رقم را در 12 میلیون خانوار کارگری ضرب کنیم، به رقم 156 تریلیون تومان می‌رسیم. این کل ارزشی است که به عنوان بهای نیروی کار می‌گیریم. هر سال 2160 تریلیون تومان ارزش جدید می‌آفرینیم. 160 تریلیون تومان دستمزد ما و 2000 تریلیون تومان سرمایه و سود سرمایه داران یا دولت سرمایه می‌گردد. از هر 13 تومان حاصل کار و تولیدمان فقط یک تومان دریافت می‌کنیم!!

3- بر سر 2000 تریلیون تومان حاصل کار سالانه ما چه می‌رود؟! پاسخ ساده است. سرمایه‌های غول پیکر طبقه سرمایه دار، دولت سرمایه داری و تأسیسات پایه ای مورد نیاز سرمایه می‌شود. خرج ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، زرادخانه‌های اتمی و نظامی، سازمانهای اطلاعاتی، امنیتی و نیروهای اختاپوسی کشتار ما می‌گردد. هزینه دستگاههای نفرت انگیز شستشوی مغزی انسانها مانند صدا و سیما، حوزه‌های دینی، مساجد، حسینیه‌ها، مراکز روضه خوانی و مداحی، شبکه‌های تبلیغاتی یا سایر نهادهای سرکوب فکری ما می‌شود. به نگهداری و بازتولید ماشین وحشت زای نظم سیاسی، حقوقی، مدنی، فرهنگی سرمایه یا دولت سرمایه داری اختصاص می‌یابد. چاه ویلی که بخش عظیم حاصل کار ما را می‌بلعد تا سرمایه داری را پا برجا و بر ما تحمیل کند. خرج بحران آفرینی‌ها، رقابت‌ها و توسعه طلبی‌های فاشیسم اسلامی بورژوازی در منطقه و جهان می‌گردد و بالاخره صرف رفاه، شادی، تفریح، کاخسازی و ولنجک و لواسان آفرینی و حوش سرمایه دار می‌شود.

4- چرا چنین است؟ چرا فقط 7 درصد از کل حاصل کار و تولید ما هزینه معاش، دارو، درمان، بهداشت، سلامتی، آموزش، آب، برق، رفاه یا کل به اصطلاح زندگی طبقه ما و 93 درصدش سیل سرکش سرمایه طبقه سرمایه دار، قدرت، رفاه، فخر، ثروت و حاکمیت صاحبان سرمایه یا ابزار سرکوب فیزیکی و فکری ما توسط دولت سرمایه داری می‌شود؟! چرا ما خالقان دنیای سرمایه‌ها، ثروت‌ها و قدرت‌ها، در باتلاق گرسنگی، فقر، ذلت، گورخوابی، آوارگی غوطه می‌خوریم و حاصل کار ما، به ضد ما، نیروی قاهر مستولی بر ما، خدای قهار حاکم بر سرنوشت ما، بانی کل ذلت، استثمارشوندگی و فرودستی ما می‌گردد؟؟!! پاسخ روشن است. در سطره نظام سرمایه داری زندگی می‌کنیم. بنیاد هستی سرمایه بر جدائی ما از کار خود استوار است. ما از هر نوع دخالت در تعیین تکلیف کار، حاصل رنج و تولید و زندگی خویش ساقط هستیم.

5- چه می‌توانیم بکنیم؟ پاسخ دشوار نیست، هیچ چاره‌ای نداریم جز اینکه راه پیکار برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود را پیدا کنیم و پیش بگیریم. در سراسر تاریخ سرمایه داری باید این کار را می‌کردیم، از همین جا هم شروع نمودیم، اما سرمایه با شستشوی مغزی، سرکوب فیزیکی، دولت، قانون، حقوق، مدنیت، آموزش، دموکراسی، فرهنگ، مذهب، ناسیونالیسم و تمامی سلاح‌های دیگرش راه ورود طبقه ما به این میدان را مین گذاری کرد. در شعور ما القاء نمود که کارگریم، فروشنده نیروی کاریم، کار می‌کنیم و مزد می‌گیریم، وجود ما موضوعیت و مکان دیگری ندارد!!! در بهترین حالت، در چند کشور دنیا وقتی با قدرت پیکار ما مواجه شد، بساط دموکراسی، قانون، حق تشکیل اتحادیه و حزب، حق تظاهرات، آزادی بیان و مانند اینها پهن کرد، با این حربه‌ها به جان جنبش ما افتاد و به کمک آنها ما را از میدان مبارزه طبقاتی خارج کرد. ما را در گورستان نظم سرمایه و جدال بر سر کم یا زیادی مزدها دفن نمود. ماجرا به اینجا ختم نشد، سرمایه لباس اتحادیه کارگری پوشید، جوشن «سرمایه ستیزی»!!! بر تن کرد، سوسیال دموکرات و لنینیست شد، با این رویکردها، زیر این بیرق‌ها، تا اعماق هستی توده‌های طبقه ما پیش رفت، فکر، شعور، شناخت و قدرت تشخیص ما را معماری نمود و در پویه این معماری، ما را متقاعد ساخت که کارگر بودن را سرنوشت خود دانیم، مبارزه با سرمایه داری را به بهبود بی ثبات شرایط کار و معاش محدود سازیم، اگر از رژیم روز و الگوی مسلط سرمایه داری راضی نبودیم، پشت سر حزب مدعی کمونیسم و رهائی انسان صف بندیم، دولت روز را ساقط و یک «دولت

کارگری»! بر پا داریم!!! برنامه ریزی رابطه خرید و فروش نیروی کار توسط این دولت را دنیای موعود «کمونیسم» پنداریم!! سرمایه با اتخاذ کل این ترندها، تشکیل این تریبونها و توسل به همه راهبردها و ساز و کارهای دیگر ما را از سنگر مبارزه طبقاتی بیرون راند. سراسر قرن بیستم و بعد آن، دوران گسست فاجعه بار ما از ریل پیکار طبقاتی ضد سرمایه داری شد.

کارزار کارگر برای رتق و فتق امور معیشتی، رفاهی، اجتماعی در چهارچوب وفاداری به نظام سرمایه داری و قبول ماندگاری بردگی مزدی، مبارزه طبقاتی نیست، ضد آن است. پیکار توده کارگر پشت سر یک حزب سیاسی برای سقوط رژیم حاکم و استقرار معجونی به نام «دولت کارگری»!! نیز هیچ سنخیتی با مبارزه ضد سرمایه داری طبقه ما ندارد و قله فتوحاتش جایگزینی الگویی از سرمایه داری با الگوی دیگر خواهد بود. مبارزه طبقاتی کارزار تعطیل ناپذیر و پریچ و خم توده کارگر برای تسلط شورائی سراسری آحاد انسانها بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود و محو کار مزدی است. ما یک قرن و چند دهه است که از این میدان خارج شده و این سنگر را ترک گفته ایم. وضعیت فاجعه بار، فرومانده و زمینگیر جنبش ما محصول مستقیم همین جدائی بحران زای بدفرجام است. بدون برون رفت از این باتلاق دهشت زای فرساینده، قادر به برداشتن هیچ گامی به جلو نیستیم، هر روزمان از روز پیش بدتر خواهد شد، هر لحظه ژرفتر و سهمگین تر از لحظه قبل به ورطه گرسنگی، فلاکت، آوارگی و مرگ ناشی از فقر فرو خواهیم رفت و شکست پشت سر شکست را تحمل خواهیم کرد. این بدبینی نیست. واقعیت کریه و عریانی است که در طول تاریخ سرمایه داری، به ویژه از نیمه دوم قرن بیستم به این سو با گوشت، پوست، خون خویش لمس کرده ایم و امروز بیش از هر زمان دیگر لمس می کنیم. سرمایه داری برای بقای ساعت به ساعت خود، هیچ چاره ای سواى قتل عام آخرین ته مانده های معیشتی ما ندارد و این کار را هر روز با تمامی زرادخانه های سرکوب فیزیکی و فکری خود انجام می دهد. همین الان چهار میلیارد نفر از جمعیت 6 میلیارد نفری طبقه جهانی ما در گرسنگی مرگ آور غوطه می خورند، میلیاردها نفر بیکار، آواره، بی خانمان و ویرانه خوابند، شمار کودکان کار دنیا سر به آسمان می ساید، میلیاردها زن و کودک کارگر در میان شعله های جنگ همیشه جاری میان وحوش بورژوازی می سوزند. چندین میلیارد کارگر جهان فاقد آب آشامیدنی سالم یا ابتدائی ترین امکانات دارو و درمان هستند.

به پرسش پیشین خود باز گردیم. چه باید بکنیم؟ جواب همان است که گفتیم. یگانه راه زنده ماندن و زندگی ما آنست که میدان کارزار را از بیخ و بن عوض کنیم. آگاهانه، درمندانانه و درون جوش بپذیریم که آنچه در طول قرن بیستم تا حال انجام داده و انجام می دهیم هیچ شباهتی به مبارزه آگاهانه طبقاتی ضد سرمایه داری نداشته است و ندارد. در هیچ کجا، در هیچ حوزه، نه در پهنه پیکار برای بهبود معاش، رفاه و آزادی، نه در خیزش های سراسری سرنگونی طلبانه، نه در انقلابات پرشور پی در پی، نه در عرصه آنچه کارزار سوسیالیستی و ضد سرمایه خوانده ایم!!! در هیچ کدام، به هیچ وجه، علیه سرمایه، علیه اساس موجودیت سرمایه داری مبارزه نکرده ایم و راه این مبارزه را در پیش نگرفته ایم. ریشه کل بدبختی های ما در اینجاست. باید به مبارزه طبقاتی برگردیم، مبارزه ای که تجلی کارزار واقعی طبقه ما علیه استثمار، علیه همه اشکال ستم سرمایه، تمامی بی حقوقی های مولود نظام بردگی مزدی، علیه اساس جدائی ما از سرنوشت کار و تولید و زندگی و علیه بنیاد موجودیت سرمایه داری باشد.

راه این مبارزه روشن است. حی و حاضر، میانگین حاصل کار و تولید سالانه ما بالغ بر 2160 تریلیون تومان است. این ارزش ها را ما تولید کرده ایم، خالق کل آن ما هستیم، ریال، به ریال آن باید صرف معیشت، رفاه، آموزش، بهداشت، دارو و درمان، ارتقاء سطح آسایش، سلامتی جسم و تعالی فکری ما گردد، هیچ ریال آن نباید سرمایه طبقه سرمایه دار، هزینه دولت و ماشین نظم سیاسی، حقوقی، مدنی سرمایه یا دستگاههای اختاپوسی حاکمیت سرمایه داری گردد. برای

این کار باید کل این تولید توسط ما برنامه ریزی شود. مانیم که باید و می توانیم در باره چه تولید شود، چه تولید نشود و سرنوشت کار و تولید و زندگی خویش برنامه ریزی کنیم و تصمیم بگیریم. کل آحاد طبقه ما باید در این تصمیم گیری و برنامه ریزی شرکت مستقیم، آگاه، فعال، خلاق، آزاد و نافذ داشته باشند. این تنها و تنها راه خلاصی ما از این وضعیت ملامال از گرسنگی، فلاکت، آوارگی، گورخوابی، بیماری و سیه روزی است.

چه باید بکنیم تا چنین شود؟ راهبرد ما برای تسلط بر سرنوشت کار و تولید و زندگی خود، برای لغو کار مزدی و محور سرمایه داری کدام است، برای حصول این هدف نیازمند کدامین راهکارها، چاره گریها و راه حلها هستیم؟ مبارزه جاری روز ما برای خروج از باتلاق مرگبار کنونی و اتخاذ رویکرد طبقاتی ضد بردگی مزدی، وارد کدام میدان ها، سنگلاخها، سنگربندیها، فراز و فرودها یا پیچ و خم ها خواهد شد. پاسخ این پرسش ها قرار نیست از پیش توسط محافل یا افرادی نسخه پیچی گردد، همه بحث بر سر تغییر ریشه ای میدان کارزار، گسست از رفرمیسم راست و چپ مستولی و آغاز مبارزه واقعی طبقاتی ضد سرمایه داری است. برای این کار مجبوریم.

اول – نه از قداست کارگر بودن!! که از تدارک محور بردگی مزدی عزیمت کنیم

با قبول حقانیت کار مزدی!! و امید زندگی بهتر در سیطره خرید و فروش نیروی کار!!، با عزیمت از استیصال مقدر کارگری!! و چشم به راه نقش بازی حزب منجی!!، با توهم به اجماع میان فروشنده نیروی کار و زندگی مرفه و آزاد!! نمی توان وارد کارزار واقعی طبقاتی شد. نمی توان شیپور جنگ رهائی از اسارت سرمایه داری را به صدا در آورد. وقتی کارگر بودن را امر عادی زندگی و میدان مبارزه برای معیشت، حقوق، آزادیهای سیاسی، کاهش نابرابری را ارض حاکمیت سرمایه یا تغییر رژیم و تعویض الگوی سرمایه داری بینیم، زمانی که فروش نیروی کار را با اساس حق، آزادی، رفاه، کرامت و زندگی شرافتمندانه انسانی در تضاد فاحش آنتاگونیستی بینیم و علیه اساس کارگر بودن خویش برنخیزیم، سرمایه است که برای همه چیز تصمیم می گیرد. ما از اواخر قرن نوزده تا حال اسیر این تلقی شوم بوده ایم. طاعونی که سرمایه، جنبش سندیکائی و بورژوازی لنینی به جان جنبش ما انداخته و از طریق آن ما را از میدان مبارزه طبقاتی خارج کرده است. زیر این آوار باید بیرون آمد. کارگریم اما کارگر بودن مصیبتی است که سرمایه بر ما تحمیل کرده است. ریل پیکار ما در همه عرصه ها باید گواه تدارک برای پایان دادن به کارگر بودن خود باشد.

دوم – یک قدرت سازمان یافته ضد سرمایه داری شویم

در نقطه، نقطه جهنم سرمایه داری مبارزه می کنیم، همه جا در حال اعتصاب، اعتراض، راهبندان، شورش و خیزش هستیم، اما بدبختانه، بدون استثناء، همه جا، در همه شرایط به عنوان کارگران این یا آن مرکز کار با سرمایه دار معین یا دولت سرمایه داری وارد کشمکش می شویم!! دردها، رنجها، ریشه بدبختی ها، خواست ها، انتظارات، فریادها یا کل هستی اجتماعی و انسانی ما یکی است، اما به گونه بسیار وحشتناکی اصرار به انکار این هستی اجتماعی واحد داریم. هر عده، هر صد یا هزار کارگر، خود را مقیم محکوم جزیره محل کار روز می بینیم. جبهه رویاروی خویش را طول و عرض و اکنش مالک مؤسسه به خواست های خود می پنداریم، راه حصول انتظارات را مشاجره محدود درون کارگاهی یا در بهترین حالت تعطیل چرخه تولید کارخانه می شناسیم. کل اینها سدهای آهنین سر راه برپائی یک جنبش نیرومند سرنوشت ساز است. ما یک طبقه اجتماعی واحد هستیم. کل ما از کار و پروسه تعیین سرنوشت کار، تولید، زندگی خود جدا هستیم، ریشه گرسنگی، فقر، فرودستی، بی حقوقی ها، تبعیضات و محرومیت ما از ابتدائی ترین آزادی ها در وجود سرمایه است. یکایک ما با سرمایه در حال جدال و کشمکش هستیم. بند، بند زندگی یا هستی طبقاتی و انسانی ما فریاد می زند که باید هر کدام، سلول زنده، اثرگذار، آگاه، نافذ و انداموار یک جنبش سراسری شورائی ضد بردگی مزدی

گردیم. باید یک قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه شویم. باید به صورت خودپو، مصمم، استوار و اندیشیده راه برپائی این جنبش یا این قدرت متحد طبقاتی را پیش گیریم.

سوم - سازمانیابی سراسری شورائی ضد کار مزدی یگانه ظرف مبارزه واقعی طبقاتی ما است

هر میزان موفقیت مبارزه ما علیه اساس جدائی از کار یا پویه تعیین تکلیف تولید، کار و زندگی، در گرو دخالتگری هر چه وسیع تر، آگاه تر، آزادتر، پرشورتر و خلاق تر، آحاد هر چه عظیم تر توده های طبقه ما در این پیکار است. جنبش شورائی ضد کار مزدی تنها و تنها ظرف یا سنگری است که این مشارکت را با این ویژگیها و شروط کاملاً حیاتی ممکن می سازد، شالوده کار این جنبش در همرفتگی و همگن سازی مبارزه برای مطالبات عاجل با جنگ ضد سرمایه داری، پیکار علیه استثمار، ستم، بی حقوقی و نابرابری با ارتقاء روزافزون آگاهی و شناخت طبقاتی توده کارگر، گسترش کارزار ضد سرمایه داری با بالندگی، رشد، استخوانبندی و شکوفائی قدرت سازمان یافته شورائی کارگران است. جنبش شورائی ضد کار مزدی با این توصیف، همان نیروی بالنده نوین در شرایط استیلای نظام کهنه منحن مستولی است. اگر در دوره استقرار سرواژ و فئودالیسم، شیوه تولید سرمایه داری بود که می بالید و بورژوازی سوار موج انکشاف رابطه خرید و فروش نیروی کار قدرت تاریخی میداندار می شد، در اینجا، در سیطره استیلای سرمایه داری هیچ شیوه تولیدی جدیدی در حال شکوفائی نیست، یگانه نیروی بالنده نوین تاریخی، همین جنبش شورائی سراسری ضد سرمایه داری است که باید و می تواند ببالد، نیرومند و نیرومندتر گردد، شاخ و برگ کشد، استخوان بندی شکست ناپذیر آهنین یابد، قدرت سازمان یافته طبقاتی گردد، مظهر دخالتگری آگاه، آزاد، نافذ، شورائی و خلاق آحاد انسانها شود، سنگر به سنگر بورژوازی را به عقب راند، سرمایه داری را آماج توپخانه توفنده خود گیرد، دولت سرمایه را سرنگون و جامعه فارغ از رابطه خرید و فروش نیروی کار را مستقر سازد. حزب آفرینی و سندیکاسازی صرفاً راهبرد و راهکار بقای نظام اختاپوسی سرمایه داری یا جایگزینی شکلی از آن با شکل دیگر است. چیزی که در طول قرن بیستم به وفور اتفاق افتاد و حاصلش را همه می دانیم.

چهارم - تعیین سرنوشت کار و تولید را دستور کار جنبش سازمان یافته شورائی سازیم

هر گام پیشروی در برپائی جنبش شورائی سراسری ضد سرمایه داری گامی در راستای جایگزین سازی مبارزات محقر محکوم به شکست محصور در چهاردیواری کارخانه ها و مراکز کار با این جنبش خواهد بود. به میزانی که ما در شکل یک طبقه به صورت شورائی متشکل گردیم می توانیم قدرت شورائی روز خود را وارد میدان جنگ علیه سرمایه داری سازیم. جنبش ما در این وضع، در این آرایش نوین، در میدان کارزار واقعی طبقاتی، کیفرخواست خود علیه موجودیت سرمایه داری و مانیفست مبارزه خویش برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی را صادر خواهد کرد. این مانیفست را شیرازه یا نقشه کارزار طبقاتی جاری خواهد ساخت. محتوای کیفرخواست خارج سازی کل 2160 تریلیون تومان محصول سالانه اجتماعی از چنگال طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری است، فحوای شفاف مانیفست اعلام تدارک روزافزون پیکار برای برنامه ریزی کار و تولید خواهد بود.

به نام طبقه و جنبش خود اعلام می کنیم که از کل این محصول، کدام درصد به معیشت، کدام درصد به بهداشت و دارو و درمان، محیط زیست، کدام درصد به آموزش و نگهداری سالمندان یا پرورش کودکان، کدامین درصد صرف راه و شهرسازی و حمل و نقل زمینی، هوایی، دریائی، بنادر، چه بخشی به پژوهش و تفریح یا دهها و صدها عرصه دیگر خواهد شد. اعلام می داریم که جنبش شورائی طبقه ما خواهان قطع کامل و بدون هیچ قید و شرط هر نوع تخصیص هر درصد حاصل کار و تولید توده های خود به هر نهاد دولتی، ماشین نظم سیاسی سرمایه، ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، هر دستگاه بشرستیز امنیتی، قضائی، حوزه های دینی، هر مؤسسه مذهبی، هر سازمان اختاپوسی قهر فیزیکی و فکری

سرمایه داری، خواستار انحلال کلیه این مؤسسات و برچیدن هر نوع دولت بالای سر است. تصریح می کنیم که طرح امحاء این نهادها هیچ ربطی به دموکراسی طلبی نسخه پیچی بورژوازی یا احزاب اپوزیسیون نمای لنینی ندارد، بلکه جزء لایتجزای پروسه پیکار طبقاتی ضد سرمایه داری ما است. در این ماتیفست مبارزه برای افزایش دستمزد، بهبود شرایط کار و معاش، رفاه اجتماعی، بیمه بیکاری، بیمه دارو و درمان، آموزش، پرورش، بازنشستگی، ایاب و ذهاب و نوع اینها جای خود را به جنگ برای خارج سازی کل حاصل کار و تولید از چنگال طبقه سرمایه دار و دولت خواهد داد، مبارزه زیر لوای قبول کارگر بودن و کارگر ماندن، جای خود را به طغیان علیه هر میزان سرمایه شدن محصول کار، اختصاص هر دینار آن به ماشین اختاپوسی نظم و سرکوب سرمایه، با بیرق سرشکن سازی کل فرآورده های کار به حوزه های مختلف زندگی انسانی می دهد. به جای مطالبه آزادی های سیاسی و حقوق مدنی، سرچشمه اصلی و واقعی وجود تمامی نهادهای سرکوب، سلب آزادی و شستشوی مغزی را خشک می کنیم، مبارزه برای رفع ستم و تبعیضات جنایتکارانه جنسی، قومی، نژادی از طریق دموکراتیزاسیون سرمایه داری را!!! با پیکار علیه شالوده های واقعی این تبعیضات و ستم ها یا جنگ نیرومند طبقاتی برای تحمیل رفع آنها بر نظام سرمایه داری جایگزین می سازیم. بر محو بدون قید و شرط کار خانگی می کوبیم، داوطلبانه بودن کار، تعریف کار توسط جنبش شورانی ضد بردگی مزدی، محو هر نوع قفل زدن معاش، رفاه و زندگی فارغ از کاستی به کار اجباری را جزء لایتجزای پروسه کارزار طبقاتی می کنیم، هر بارقه مردسالاری را به عنوان میراث ننگین جامعه طبقاتی کلا و نظام بردگی مزدی خصوصاً زیر شلاق مبارزه می گیریم. محو کل آنچه را که زیر نام قانون و قرار و حقوق و نظم پاسدار رابطه خرید و فروش نیروی کار یا پشتوانه بقای وجود طبقات است، موضوع جنگ می کنیم. ریشه فحشاء و اعتیاد را می خشک کنیم، جنبش در حال گسترش خود را که استخوان بندی مرادفات عالی انسانی در جامعه فارغ از وجود کار مزدی آتی است، نماد عالی محو تمامی نابرابری ها و تمایزات پوسیده اجتماعی می سازیم. کارزار سازمانیافته شورانی ما تمامی جدائی و ناهمگنی میان مبارزه روز و جنگ رادیکال طبقاتی علیه سرمایه داری را از میان بر می دارد.

پنجم - ساز و کارها و سلاح های کارساز جنبش ما

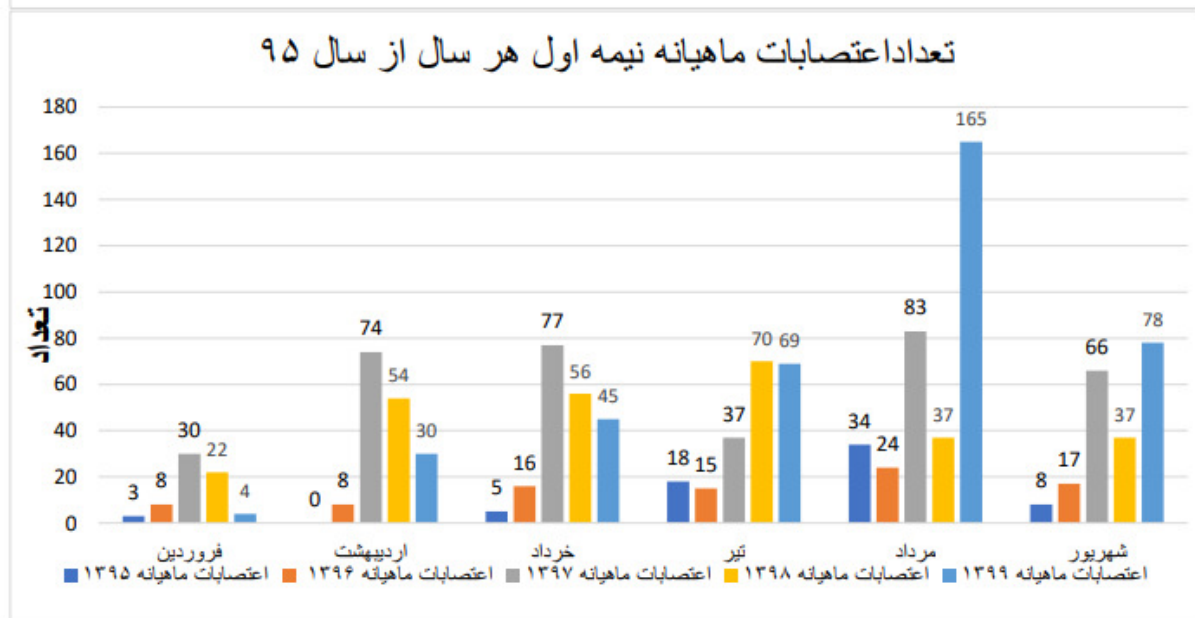
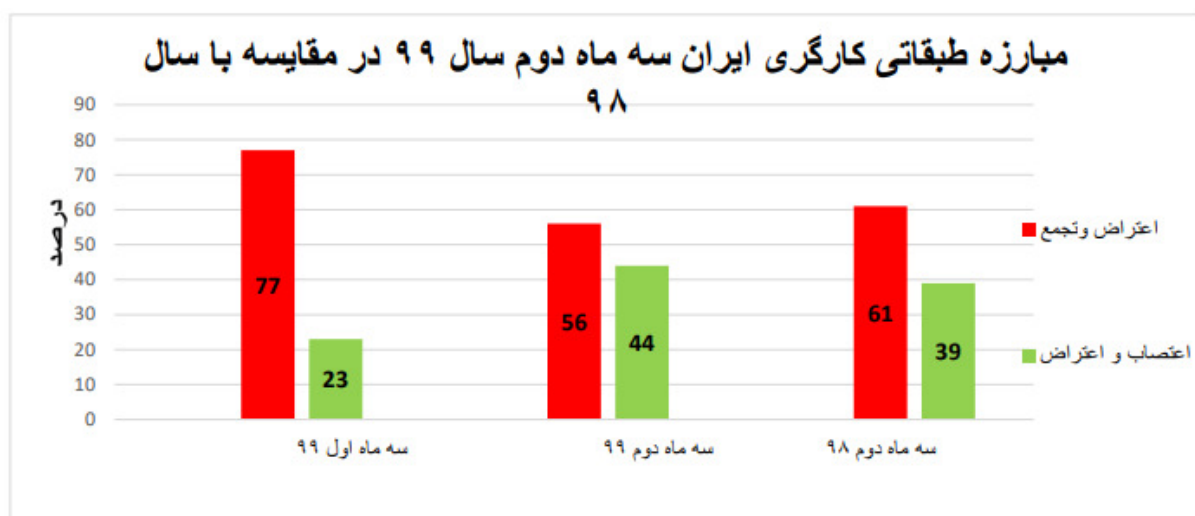
ما آفریننده کل سرمایه ها، ثروت ها و قدرت ها هستیم. کلید هستی سرمایه داری در دستان ما است و صد البته نه در دست ما کارگران این یا آن مرکز کار، این یا آن بخش طبقه کارگر بلکه فقط در دست طبقه ما، در دست جنبش متشکل شورانی ضد کار مزدی ما، اگر این جنبش را بر پا داریم و به هر میزان که در این برپائی پیش تازیم به همان میزان قدرت طبقه خود را علیه سرمایه اعمال می کنیم، نظم اقتصادی سرمایه داری را در هم می کوبیم، چرخه تولید سرمایه را از چرخش باز می داریم. تمامی شبکه های حمل و نقل سرمایه داری را مختل می سازیم، اب و برق و همه چیز این نظام را از کار می اندازیم. با جنبش شورانی خود مراکز کار و تولید را تصرف می کنیم، کل مستغلات و خانه های خالی سرمایه داران را از چنگالشان بیرون و سکونتگاه بی خانمان ها می سازیم، نظم سیاسی و حقوقی و مدنی سرمایه را به ورطه فروپاشی می اندازیم. ما تمامی اهرم ها، ساز و کارها و سلاح های لازم برای جنگ رادیکال طبقاتی علیه موجودیت سرمایه داری را دارا هستیم. باید شروع کنیم. حرف آخر خطاب به تمامی همزنجیران این است. طبقه ما بر سر یک دو راهی بسیار سهمگین تاریخی قرار گرفته است. یا باید به سنگر توفنده مبارزه طبقاتی برگردیم و جنگ واقعی رهائی انسان را آغاز کنیم، در غیر این صورت به مرگ بسیار زبونانه و ذلت بار در زیر تازیانه بی رحم سرمایه رضایت دهیم. انتخاب یکی از این دو راه، گریزناپذیر است. ما کارگران ضد سرمایه داری دیری است که راه نخست را برگزیده ایم و آماده فشردن دست هر همزنجیر برای تاختن و جنگیدن در این راه هستیم. شما چه فکر می کنید؟

جنبش کارگری ایران در سه ماه دوم سال 1399

جنبش کارگری ایران در سه ماهه دوم امسال رشد کمی بی نظیری در اعتراضات و اعتصابات نسبت به دوره های مشابه سال های اخیر داشته است. ارقام اعتراضات کارگری نیمه اول امسال 33 درصد بیش از مدت مشابه سال 97 با 785 اعتصاب و اعتراض خیابانی و تقریباً دو برابر سال گذشته است (1047 در مقابل 527 اعتصاب و اعتراض). شاید برای خیلی ها تعجب آور باشد که در همین ماه شهریور شاهد 221 حرکت کارگری بوده ایم (با 78 اعتصاب) که قدری از اوج اعتراضات ماه مرداد با 165 اعتصاب کاسته شده است. و البته اشتباه بزرگی است که با خیره شدن بر این اعداد آنها را نشانه رشد کیفی و پیشرفت در مبارزه طبقاتی کارگران علیه سرمایه انگاریم. هنگامی که کارگران هفت تپه در بیش از 90 روز اعتصاب و اعتراض خیابانی فریاد گرسنگی سر داده اند، خشم و قهر خود را نسبت به درندگی های سرمایه داران و دولت اسلامی سرمایه ابراز داشته اند، اما باز هم مهمترین و محوری ترین خواست خود را تغییر فرم مالکیت سرمایه از خصوصی به دولتی اعلام می کنند، وقتی شعارشان این است که: «ما کارگران هفت تپه بیداریم از خصوصی سازی بیزاریم» وقتی در این 90 روز هیچ تلاشی برای همپیوندی و همسنگری با سایر کارگران انجام نمی دهند، وقتی وضع این گونه است نمی توان از پیش تاختن کارگران در مبارزه طبقاتی گفت. جنبش کارگری ایران دهه ها است که از ساحل خلیج فارس تا خزر و از سرخس تا سر پل ذهاب در حال طغیان است، اعتصاب پشت اعتصاب یا اعتراض خیابانی ترتیب می دهد فقط برای اینکه سرمایه داران را متقاعد به قبول مالکیت دولتی کند و یا مزدهای ماهها و گاه سالها به تعویق افتاده خود را دریافت دارد!!! پوسیدگی، انحطاط و انسان ستیزی سرمایه داری کهکشان ها را پیموده است و این بر همه کارگران دنیا عیان است، اما جنبش کارگری در زمین گیری، استیصال و رفرمیسم غرق است، اگر مبارزه روز کارگران در شکل ظاهر خود دنباله رو سندیکا سازان و حزب آفرینان رفرمیست راست یا چپ نما نیست، بدبختانه هیچ گام تعیین کننده و مهمی در راستای ارتقاء خود به یک جنبش سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری هم بر نداشته است. خواست دولتی شدن مالکیت کارخانه یا استغاثه از رژیم هار جمهوری اسلامی سرمایه برای بهبود وضع معاش، هیچ خبری از بیداری مورد نیاز کارگران و جهتگیری رادیکال ضد سرمایه داری آنها نمی دهد. صاحبان و مدیران سرمایه خصوصی یا دولتی، سپاهی یا غیرسپاهی، دینی یا لائیک به محض این که پروسه انباشت دچار کمترین اخلاص می گردد، بسان هم و بدون تفاوت فرمان هجوم به حداقل دستمزدها را صادر می کنند و به اجرا می گذارند، دولتی بودن و نبودن سرمایه در این گذر منشأ هیچ تمایز مهمی نیست. وضعیت صدها هزار کارگر زیر فشار استثمار دولت سرمایه داری در شهرداری ها، بیش از یک میلیون معلم و میلیونها کارگر تحت نام کارمندان دولتی هیچ تفاوت عجیب و غریبی با کارگران صنایع و مراکز کار خصوصی ندارد.

مشکل به همین جا ختم نمی شود. اعتصابات و اعتراضات ما در چهاردیواری محل کارمان محصور است و ما خود را افراد یک طبقه، طبقه ای که اگر یک قدرت شورائی ضد سرمایه شود می تواند به تمامی بدبختی ها پایان بخشد، نمی دانیم. این وضعیت حتی نسبت به یک سال پیش بدتر و فاجعه آمیزتر شده است. پراکندگی و بی انسجامی جنبش کارگری ایران محدود به این روزها نیست، تاریخی است که به گونه وحشت انگیزی بیداد می کند و در مهم ترین استانهای صنعتی و کارگری نظیر خوزستان، بوشهر، مرکزی و تهران بعثت تراکم صنایع و مراکز کار بیشتر چشمگیر است. فاجعه آمیز است که حتی گامهای رو به جلو در این زمینه هم در حال عقب رفتن است. روزهایی بود که کارگران هفت تپه و بخشهای مختلف آن دست از کار می کشیدند تا همکاران زندانی خود را آزاد کنند، تا اخراجی ها را به سر کار باز

گردانند، آنها برای تحمیل این خواستها قدرت نشان می دادند، جاده ترازیت اندیشک - اهواز را بارها می بستند، چرخ تولید را از کار می انداختند و کارهای دیگر می کردند. کارگران فولاد اهواز، آذراب و هپکو در اراک خیابان های شهرها را در می نوردیدند و همبستگی کارگران شهر را می خواستند. کارهایی که امروز شاهدش نیستیم. نه تنها دست یاری بسوی هم زنجیران و هم طبقه ایهای خود دراز نمی کنیم که حتی به کارگرانی که تا چندی پیش زیر یک سقف کار می کردیم هم رجوع نمی کنیم. سرمایه داران قدرت اقتصادی، دولتی، سیاسی، نظامی، پلیسی، همه قدرت ها را دارند و ما حاضر نیستیم هیچ گامی برای ایجاد قدرت متحد سازمان یافته طبقاتی، شورائی و ضد سرمایه داری خود برداریم. منتظر به رحم آمدن حامیان درنده سرمایه هستیم و با اعتصاب محدود چند نفری یا چند صد نفری می خواهیم آنها را به ترحم واداریم!! و راضی به قبول خواستهای خود کنیم!! بیائید قبول کنیم که تا وضع چنین است، روزگار ما هر روز از روز پیش تیره تر و وحشتناک تر خواهد بود. قدرت سرمایه را فقط با قدرت متشکل، متحد، شورائی و ضد سرمایه داری طبقه خویش می توانیم مجبور به عقب نشینی کنیم و در هم شکنیم. راه دیگری نیست.



باز هم کشتار سبعمانه کارگران کولبر توسط رژیم درنده اسلامی بورژوازی

کوههای کردستان قرقگاه توحش سپاه پاسداران و قتل عام نفرین شده ترین، سیه روزترین و مفلوک ترین کارگران کولبر کرد توسط عمله مزدور قهر رژیم هار اسلامی شده است. فقط در طول یک ماه اخیر بیش از 30 کارگر کولبر به دست اشرار جنایت آفرین سپاهی به قتل رسیده اند. در طول همین شبانه روز گذشته نیز 4 کارگر کولبر دیگر، به اسلامی زانیست حسن نژاد، زانکو احمدی، سروش ملکاری، جلال خضری در قله رشی سردشت و زیوه پیرانشهر هدف اصابت گلوله این جانین انسان کش قرار گرفته و در دم جان باخته اند. کولبران فرومانده ترین، گرسنه ترین و آواره ترین لایه طبقه کارگر ایرانند، فاشیسم درنده اسلامی سرمایه قتل عام آنها را شکار تفریحی روزمره خود ساخته است. جنایت و سبعمیتی که بدبختانه با موج اعتراض و قهر سایر بخش های طبقه کارگر نیز مواجه نگردیده و کماکان مواجه نیست. تا زمانی که کارگر هر کارخانه، مؤسسه و مرکز کار، خود را صرفا برده مزدی مادالعمیر این یا آن سرمایه دار می داند، تا وقتی که توده های کارگر، چهاردیواری تحت مالکیت این یا آن سرمایه دار را مرزهای مین گذاری شده مبارزه و اعتراض خود تلقی می کنند، پیداست که هیچ کارگری نه فقط کولبران را که اساسا هیچ همزنجیری را همسنگر و هم سرنوشت خود نبیند!!! فاجعه ای که بر سر همه کارگران دنیا از جمله کل کارگران ایران آوار است. اگر قرار است کولبران همصدائی یابند، همزیمی پیدا کنند، دست در دست همدوش و همگام و همسنگری گذارند، باید هر کارگری و لاجرم همه آحاد کارگران هر کدام خود را سلول زنده، پرخروش، معترض و در حال پیکار و عصیان یک جنبش سراسری طبقاتی ببینند. امروز بدبختانه حتی صدای حمایتهای توخالی کارگران از مبارزات همدیگر هم کاملا خاموش است، اما بحث بر سر همدردی ها و همصدائی های شعارگونه کلنیشه ای نیست. سخن از نیاز مبرم حیاتی به یک همزیمی سازمان یافته سراسری شورائی ضد سرمایه داری است. تنها در این همسنگری و همصدایی رادیکال طبقاتی است که شلیک هر گوله دژخیمان درنده سرمایه به قلب هر کولبر، خروش قهر کل توده کارگر علیه سرمایه و نظام سرمایه داری را به دنبال خواهد آورد. سخن از ضرورت احراز چنین وضعی حماسه سرائی نیست. طبیعی ترین نیاز روز جنبش کارگری و پیش شرط لازم هر موفقیت ابتدائی کارگران در پروسه پیکار علیه بورژوازی است. هر کجا هستیم برای این همزیمی سازمان یافته سراسری گام برداریم و در متن همین تلاش و پیکار فریاد اعتراض خویش علیه کشتار همزنجیران کولبر را بلند کنیم.

کارگران ضد سرمایه داری

مردسالاری و جنبش کارگری

یک راهکار اساسی سرمایه داران برای پایین نگهداشتن دستمزد کارگران، کار رایگان خانگی است. سرمایه داری با توسل به خانه داری، هزینه تولید خود را به میزان بسیار هنگفتی پایین می آورد، هزینه های پرورش نیروی کار، ایجاد مهد کودک، نگهداری سالمندان و پیران را به نفع طبقه سرمایه دار، به نفع کل سرمایه اجتماعی بر دوش طبقه ما آوار می کند. سرمایه داری به کار بیرون از خانه زنان نیز نیاز دارد. با تلقی خانه داری به عنوان وظیفه اصلی زنان می توان کار خارج از خانه آنان را کاری موقتی تلقی کرد، آنها را با مزد کمتری به کار گرفت و مطیع تر و زبون تر در محیط کار استثمار کرد و راحت تر اخراج کرد. جنس دوم دانستن زنان نیاز ضروری سرمایه داری است. سرمایه داری با آویختن به مذهب با واگذاری اختیار زن به مرد، نقش زن را به عنوان یک انسان ضعیف تثبیت کرد، نقشی که یکی از شروط بقای این نظام ضد بشری است.

نگاهی به تاریخ سرمایه داری نشان می دهد تا اوایل قرن بیستم، حضور پر قدرت ستمهای جنایتکارانه جنسی، جریان روتین زندگی زنان همه جای جهان بوده است. اما چرا اکنون در بعضی از کشورها با وجود سرمایه داری بودنشان با وجود اینکه هنوز هم وظیفه اصلی زنان خانه داری است و جنس دوم تلقی می شوند تبعیضات و توحشها و ستم بر زنان کم رنگ تر است؟

به یمن مبارزات ضد سرمایه داری کارگران در اواسط قرن نوزدهم، برپائی انترناسیونال کارگران، قیام کمون پاریس و این نوع جنبشها، کارگران این جوامع از دستمزد بیشتر، ساعات کار کم تر، بیمه بیکاری و درمان رایگان، برخوردار شدند. کسب یک رفاه حداقلی، مبارزات کارگران علیه کالا شدن انسان، علیه فرهنگ و اخلاقیات کاسبکارانه ضد بشری سرمایه داری، مبارزه برای آزادی اعتقادات، علیه دخالت دولت بورژوازی در زندگی خصوصی، بستری را فراهم کرد تا زنان برای معاشرت با مردان و نوع پوشش خود و ازدواج و طلاق از هیچ کس اجازه نگیرند، به هنگام ازدواج، خود را مجبور به خرید و فروش خویش نبینند و مهریه ای مطالبه نکنند، باور به نابرابری بین زن و مرد تا حدودی از ساختار فکر و شعور آدمهای این گوشه از جهان سرمایه داری پاک شود. جنبش رهائی زنان به دستاوردهای مبارزات و میدان داریهای طبقه کارگر تکیه دارد. در ایران و در عظیم ترین بخش دنیای سرمایه داری، جنبش کارگری هیچگاه افق ضد سرمایه داری را بطور شفاف پیش روی خود نداشته است و نتوانسته این امکانات و پشتوانه ها را در جامعه برقرار نماید و به ناگزیر هیچ اثری از دستاوردهای زنان غربی در ایران وجود ندارد.

آنچه در ایران تحت لوای مبارزه با مرد سالاری جنجال می شود فاقد هر میزان بنمایه ضد سرمایه داری و پوچ است. آنچه تحت عنوان مبارزه برای حق برابر زنان با مردان، تبلیغ می شود صرفا راه گشای زنان بورژوا است تا در نهادهای برنامه ریزی و اجرائی و قدرت سرمایه سهم و شریک شوند. معضل بنیادی میلیونها زن خانه دار، کشاورز، کارمند، معلم و پرستار این است که برده نظام مزدبگیری هستند، استثمار می شوند و ساقط از هر نوع حق دخالت آزاد انسانی در سرنوشت کار و محصول کار و زندگی خویش اند.

تکلیف سلطنت طلبان هار و مشروطه چیان و مجاهدین و دیگرانی که اصولا داعیه ضد سرمایه داری ندارند روشن است. آنها با همه توان به شستشوی مغزی ما می پردازند و القا می کنند که آنچه جمهوری اسلامی علیه زنان انجام داده و می دهد، ناشی از دینی بودن دولت است و ربطی به سرمایه داری ندارد!!

« رهایی زنان » نزد احزاب چپگرا هم، راهکاری برای گسترش پایه های نفوذ و قدرتشان در مقابل جمهوری اسلامی است. این احزاب، کارگران را فاقد هر گونه ظرفیت سرمایه ستیزی می شناسند. ضد سرمایه داری و ضد مرد سالاری بودن را مقولاتی مکتبی و ایدئولوژیک می شمارند که در انحصار " رهبران " است. آنچه بر سر کارگران در فردای حکومت این " رهبران " خواهد آمد را تاریخ در منجلاب سرمایه داری دولتی و حزبی روسیه و اقمارش نشان داده است. با سندیکا سازی نیز سر سوزنی از بار جنایات آوار بر سر هیچ زنی کم نمی شود. با مفروض گرفتن کارمزدی با تحصن در مقابل مجلس و وزارتخانه ها، دخیل بستن به قوانین و نهادهای سرمایه نه مرد سالاری و نه اساس آن یعنی کار رایگان زنان برای سرمایه، به مبارزه طلبیده نمی شود.

باید به سراغ همزنجیران خود در مراکز کار و درس و محله و هر کجای دیگر برویم. صریح و قاطع اعلام کنیم که ضد وجود رابطه خرید و فروش نیروی کار هستیم. می خواهیم با دخالت آزاد، خلاق و نافذ همه زنان و مردان تعیین کنیم که چه میزان از کار و تولیدمان صرف خورد و خوراک و پوشاک شود، چه مقدار صرف مسکن و لوازم زندگی گردد، چه مقدار به دارو، درمان، بهداشت و محیط زیست اختصاص یابد، چه مقدار صرف آموزش و پژوهش و تعالی فکری و علمی ما شود. می خواهیم حتا یک ریال کار و تولیدمان سرمایه نگردد.

در جنبش طبقه خود فریاد سر دهیم که زنان، مستقل از خانه دار، شاغل یا بیکار سهمی برابر با مردان در "محصول کار اجتماعی" دارند. زن و مرد در همه قلمروهای زندگی اجتماعی از جمله در امر ازدواج و طلاق برابرند، چند همسری جرم است، هر گونه دخالت دولت یا هر گروه و مؤسسه ای در زندگی شخصی زنان، از جمله در نوع پوشش جرم تلقی می شود و مرتکبین این دخالتها باید مجازات شوند.

فقط و فقط جنبش شورایی سرمایه ستیز توده های کارگر زن و مرد، اعتراضات و راهپیمائی و اعتصابات با افق جامعه بدون کار مزدی، قدم به قدم با گسترش خواستهای شفاف ضد سرمایه داری می تواند مرد سالاری و ستم جنسی را از ذهن و شعور و زندگی انسان پاک کند.

تنها مردان و زنان فعال در یک جنبش ضد سرمایه داری، مرد سالاری را همدستی با بورژوازی خواهند دید و به فمینیسم نخواهند آویخت.

کارگران ضد سرمایه داری – شهریور 1399

چند نکته در باره سرمایه و محیط زیست

در مقایسه با موادی مانند چوب، فلز و شیشه، پلاستیک ماده ای نسبتاً جوان است که کاربرد آن از اواسط قرن بیستم پیشرفت زیادی داشته است. اکنون این مواد تقریباً به اندازه همه انواع فلزات و مواد کانی با اهداف و کاربرد های گوناگون در الیاف مصنوعی، نرم کننده ها، قطعات مقاوم برای بدنه کشتی، هواپیما، خودروها به عنوان مواد اولیه در تولیدات موسسات سرمایه داری استفاده می شوند.

کالاها ذاتاً میرنده اند اما سرمایه در همه حوزه های تولید تلاش دارد و به میزانی در این تلاش موفق نیز بوده است که نه تنها بر عمر موثر ارزش مصرفی آن ها بیافزاید بلکه با بکار بردن شگردها و مواد بر عمر آن ها بیافزاید. هر چه کالاها دیرتر فاسد شوند، هر چه از مواد مقاوم تر در مقابل گرما، فشار و انواع فعل و انفعالات شیمیایی برخوردار شوند بازار گسترده تری می یابند. پلاستیک ها از همه خواص لازم در این عرصه ها برخوردارند. سرمایه انبوه کالاها را نه بر اساس نیازهای انسانی که بر اساس نیاز انباشت و بر اساس سودآوری تولید می کند. ارزش افزائی سرمایه هدف تعیین کننده و موتور محرک روابط تولید سرمایه داری است. هنگامی که موسسات تولیدی دست بکار تولید کالای معینی می زنند از ناهنجاری های سلامتی و زیستی و مخاطراتی که برای بشر، حیوانات و طبیعت با خود می آورند چشم می پوشند.

تولید انبوه پلاستیک در جهان از پایان جنگ امپریالیستی دوم شروع شد و در سال 1950 حدود 1.5 میلیون تن بود. تولید جهانی پلاستیک سالانه به طور مداوم در حال افزایش است و طی 15 سال گذشته دو برابر شده است. در سال 2009 تولید 230 میلیون تن بود و در سال 2012 بالغ بر 288 میلیون تن شد. تولید در سال 2014 به حدود 311 میلیون تن پلاستیک رسید و این رقم در سال 2018 به 360 میلیون تن بالغ گردید.

سازمان ملل می گوید نزدیک به 80 درصد از پلاستیک های تولید شده راهی زباله دانی می شود. این سازمان در گزارشی در اواسط 2018 اعلام کرد که سالانه پنج تریلیون کیسه پلاستیکی در جهان مصرف می شود، چیزی معادل 10 میلیون کیسه پلاستیکی در هر دقیقه.

شرکت های Exxon Mobile Chemical and Shell Chemical در اواخر 2017 اعلام کردند که در طی ده سال آینده مبلغ 180 میلیارد دلار در صنایع تولید مواد اولیه پلاستیک سرمایه گذاری خواهند کرد که طبق برآورد سازمان

Center for International Environmental Law (CIEL) منجر به افزایش 40 درصدی تولید انواع پلاستیک در همین برهه زمانی نسبت به سطح تولید سال 2010 خواهد شد.

تنها 9 درصد از کل تولید پلاستیک تولید شده بازیافت شده است (سال 2015)، 12 درصد آتش زده شده است، در حالی که اکثریت این تولیدات، 79 درصد (6.5 میلیارد تن)، در زمین و دریا باقی است. بیش بینی می شود که این مقدار در سال 2050 به 12 میلیارد تن بالغ گردد.

اضمحلال پلاستیک در طبیعت 400 سال طول می کشد. این بدین معنی است که توده های پلاستیک که سرمایه داری تولید می کند و در طبیعت رها می شوند بر هم انباشته می گردند.

در نخستین بررسی در سال 2015 از کل تولید پلاستیک جهان، میزان مصرف و سرنوشت آن نشان می دهد که در طول 70 سال گذشته حدود 8.3 میلیارد تن پلاستیک تولید شده است.

آزمایش ها به روی بطری های آب شرکت های بزرگ نشان می دهد که تقریباً همه آنها حاوی ذرات ریز پلاستیکی هستند. در بزرگترین تحقیق در نوع خود، 250 بطری که در نه کشور مختلف خریداری شده بود، تحت آزمایش قرار گرفت. به طور متوسط در هر لیتر آب 10 ذره پلاستیکی وجود دارد که قطر هر کدام پهن تر از یک موی انسان (بیش از 100 میکرون) است. شمار ذرات کوچکتر از 100 میکرون (میکروپلاستیک، هر میکرون یک هزارم میلیمتر) خیلی بیشتر از ذرات بزرگتر از 100 میکرون بود و به طور میانگین به 314 ذره در هر لیتر می رسید.

بر اساس نتایج یک پژوهش جدید در سال 2018، توده بزرگ زباله در آب های اقیانوس آرام در فاصله بین هاوایی و کالیفرنیا که دارای انبوهی از پلاستیک شناور است اکنون به بیش از 960 هزار مترمربع یعنی معادل 58 درصد مساحت ایران است. تخمین زده می شود که این توده بزرگ زباله 1.8 تریلیون قطعه پلاستیکی را شامل شود و وزن آن حدود 88 هزار تن یعنی معادل 500 هواپیمای بزرگ باشد. ارقام جدیدی که در مورد حجم و وزن این توده زباله به دست آمده 16 برابر تخمین های قبلی است.

میزان تولید پلاستیک در طی 20 سال گذشته شاهد افزایشی دویست درصدی بوده است و پیش بینی می شود که تا سال 2050 میزان پلاستیک ها در اقیانوس ها (که به ماهی های پلاستیکی معروف هستند) از تعداد ماهی های واقعی پیشی خواهد گرفت.

ریزدانه های پلاستیکی قطری کمتر از پنج میلیمتر دارند و در بسیاری از محصولات آرایشی و بهداشتی استفاده می شوند. ریزپلاستیک ها همچنین در پی تجزیه زباله های پلاستیکی، سایش، شستن لباس ها و خودروها به وجود می آیند. دانه های ریز آبی رنگی که در محصولات بهداشتی نظیر خمیردندان ها، شوینده های صورت یا شامپو های بدن وجود دارند، در اصل ریزدانه های پلاستیکی هستند که برای سایندگی و زدودن هر چه بهتر جرم استفاده می شوند.

لباس هایی از جنس الیاف مصنوعی تولیدکننده بخش زیادی از ریزپلاستیک های جهان هستند. حدود 60 درصد از لباس ها از پشم و پرز مصنوعی درست شده اند و روند استفاده از نخ های مصنوعی ارزان قیمت رشدی صعودی داشته است.

ریزپلاستیک ها نه تنها رودخانه ها و دریاها را آلوده می کنند، بلکه میلیون ها انسان، روزانه با نوشیدن آب لوله کشی آنها را وارد بدن خود می کنند. پژوهش ها در آمریکا با بررسی بیش از 150 نمونه از آب لوله کشی چندین شهر از پنج قاره جهان به این نتیجه رسیدند که در 83 درصد از نمونه ها الیاف پلاستیکی میکروسکوپی وجود دارد. لاستیک خودرو و خط کشی های خیابان ها و جاده ها نیز عامل دیگر تولید ریزپلاستیک ها هستند. آمار اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت در سال 2017 نشان می دهد، لاستیک خودروها (با 28 درصد)، پارچه های با الیاف مصنوعی (با 35 درصد) و گرد و غبار شهری (با 24 درصد) بیشترین سهم در تولید ریزپلاستیک ها را دارند.

پلاستیک اکنون خود را در قالب سنگریزه‌های معمولی جا می‌زند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زباله‌های پلاستیکی کوچک کشف شده در کنار دریا، شباهت فوق‌العاده‌ای به سنگریزه‌های ساحلی دارند. آلودگی پلاستیکی به مرتفع‌ترین قله‌ها و عمیق‌ترین دره‌های زمین نیز رسیده است. این قطعات کوچک پلاستیکی که (pyroplastics) نام دارند، یا در اثر گرما دیدن پلاستیک در بخشی از فرآیند تولید و یا به هنگام ذوب شدن قطعات پلاستیک در جریان فرآیندهای ناشناخته در محیط، به وجود می‌آیند. این زباله‌های پلاستیکی سپس در اثر برخورد با شن و آب دریا چون سنگ‌ها اکسیده و یا فرسایش شده و ریزپلاستیک به اطراف می‌پراکنند. از آن جایی که این پلاستیک‌ها شباهت بسیار زیادی به سنگریزه‌ها دارند، ممکن است از چشم مردم جهان پوشیده مانده باشند.

هر کیسه چای هنگام دم شدن باعث وارد شدن میلیاردها ذره بسیار کوچک پلاستیکی به آب می‌شود. هر کیسه چای هنگام دم شدن 11.6 میلیارد ذره میکرونی پلاستیکی و 3.1 ذره نانویی وارد آب می‌سازد که بسیار بیشتر از ذرات موجود در دیگر انواع غذاها و نوشیدنی‌ها از جمله بطری‌های پلاستیکی آب آشامیدنی است.

اخبار و گزارشات کارگری

- 1- سوم شهریور تجمع بیست و هفت نفر از کارگران اخراج شده پالایشگاه "بیدبلند"، جلو درب این مجتمع.
- 2 - هفتاد و یکمین روز اعتصاب کارگران هفت تپه صبح امروز با حضور تعدادی از کارگران شرکت در مقابل فرمانداری برگزار شد.
- 3 - کارگران کنتورسازی و عوارض قزوین مقابل استانداری جهت دریافت دستمزدهای معوقه و برگشت به کار دست به اعتراض زدند.
- 4 - کارگران معدن سنگ آهن بافق روز دوشنبه 3 شهریور ماه در اعتراض به پرداخت نشدن شش ماه دستمزد و حق بیمه خود دست از کار کشید و در محوطه کار خود تجمع کردند.
- 5 - جمعی از رانندگان کامیون فیروزکوه روز دوشنبه 3 شهریور ماه در اعتراض به نحوه توزیع بار (کسر 5 هزار تومان از مزد هر راننده) دست از کار کشیده و در محل کار خود تجمع کردند.
- 6 - روند بیکارسازی‌ها هر روز شتاب بیشتری می‌گیرد. اخراج کارگران در شهرداری‌ها که از مدت‌ها پیش آغاز شده تا همین الان جمعیت زیادی کارگر را بیش از پیش گرسنه، مفلوک و بیخانمان ساخته است. فریاد اعتراض این کارگران همه جا بلند است. در امیدیه، خرم‌آباد، آبادان، اهواز، سی‌سخت، قزوین، آغاچاری، حمیدیه، یاسوج، سربندر، ماهشهر، لالی، اصفهان، شهرستان سوسنگرد، کوه عبدالله، بناب، خوی، دشت آزادگان، شهر هویزه، سوسنگرد، ایذه، زنجان، دهدشت، آغاچاری، شهرستان سده، خرمشهر، تبریز، در همه این شهرها و برخی شهرهای دیگر توده کارگر گرسنه شهرداری‌ها علیه بیکاری می‌جنگند و خواستار جلوگیری از اخراج خویش هستند.
- 7 - کارگران واحد‌های درمانی در بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها در اعتراض به تعویق طولانی مدت پرداخت دستمزدها و فقدان هیچ‌گونه امنیت اشتغال دست به تشکیل اجتماع و تظاهرات زده‌اند. روز 12 شهریور کارگران قراردادی بیمارستان شهرستان باشت، 15 شهریور کادر درمانی بیمارستان خمینی کرج، شماری از رزیدنت‌های سال آخر پزشکی تهران و کارگران قراردادی بیمارستان بقایی اهواز، روز سه‌شنبه 25 شهریور، کارگران بیمارستان جلیل یاسوج، سه‌شنبه اول مهر، جمعی از کارگران پیمانی بیمارستانهای گلستان، خمینی، رازی، و بقایی، روز دوم مهر پرستاران و

- کادر درمانی دانشگاه علوم پزشکی شیراز، در روزهای 6 و 7 مهر کادر پرستاری بیمارستان روحانی بابل دست از کار کشیده و خواستار پرداخت همه مطالبات و توقف کامل بیکارسازی ها گردیدند.
- 8 - در هفتم مهر جمعی از کارگران ل شاعل در جاده نصر استان کرمانشاه در اعتراض به پرداخت نشدن 10 ماه دستمزد دست به اعتراض زدند.
- 9 - چهارم شهریور کارگران شرکت تراورس خط ورامین، پیشوا و گرمسار، بخشهایی از صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و برق. کارگران ذوب آهن اردبیل، دست از کار کشیده و خواهان پرداخت کامل مزدهای معوقه و تضمین اشتغال شدند.
- 10 - پنجم شهریور هفتاد و سومین روز اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه،
- 11 - در روز چهارشنبه پنج شهریور، اعتصاب کارگران پالایشگاه آبادان ،
- 12 - روز جمعه 7 شهریورماه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای از تعلیق اعتصاب کارگران هفت تپه به مدت ۱۵ روز خبر داد.
- 13 - جمعی از کارگران رسمی راه آهن شمال غرب در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد هایشان در مقابل ساختمان مرکزی این شرکت تجمع کردند.
- 14 - کارگران سد سفارود در اعتراض به عدم پرداخت پنج ماه دستمزد شان دست به اعتصاب زده و از حضور در محل کار خودداری کردند.
- 15 - در هشتم شهریور کارگران شرکت های: پیمانکاری تهران جنوب مجیدیه، فنی و ساختمانی تهران جنوب، پروژه بیدبلند خلیج فارس در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه دستمزد، نبود امنیت شغلی و پایین بودن سطح دستمزدها دست به اعتصاب زدند.
- 16 - کارگران چاپخانه شرکت ملی مناطق نفت خیز جنوب، روز یکشنبه 9 شهریور ماه در اعتراض به پرداخت نشدن هفت ماه حقوق، 2 سال حق بیمه و دو سال حق لباس خود دست به تشکیل اجتماع اعتراضی زدند.
- 17 - کارگران خدمات اجتماعی پتروشیمی بندرخمینی زیرمجموعه هلدینگ خلیج فارس، برای جلوگیری از انتقال اجباری‌شان به شرکت عملیات غیرصنعتی ماهشهر در روزهای 9 ، 16 ، 17 ، 19 شهریور دست به اعتراض زدند.
- 18 - روز سه شنبه 11 شهریور ماه، کارگران شرکت پارس سوئیچ واقع در شهرک صنعتی اشراق زنجان در اعتراض به نبود امنیت شغلی، دست از کار کشیده و تجمع کردند.
- 19 - کارگران آب معدنی داماش در اعتراض به چند ماه تعویق پرداخت دستمزدها و همچنین پرداخت نشدن بیمه خویش در برابر فرمانداری رودبار تجمع کردند.
- 20 - دوازدهم شهریور کارگران شرکت آبفای استان در اعتراض به حدود 30 ماه تعویق پرداخت مزدها و در واقع کار بدون هیچ مزد، عدم پرداخت حق بیمه و 4 سال سنوات پرداخت نشده دست به اعتصاب زدند.
- 21 - کارگران پالایشگاه پارسین سپهر (شرکت همپا) با اعتصاب، برپایی تجمع و تظاهرات نسبت به سطح نازل دستمزد اعتراض کردند، آنان خواهان افزایش دستمزد شدند.
- 22 - گروهی از کارگران معدن آق دربند سرخس در روزهای 12 و 15 شهریورماه، در اعتراض به عدم پرداخت 9 ماه دستمزد معوقه خود دست به تجمع زدند.
- 23 - از روز 12 تا 27 شهریور کارگران اخراجی هفت تپه به تجمعشان در مقابل فرمانداری شوش ادامه دادند.
- 24 - جمعه 14 شهریور، جمعی از کارگران نیروگاه رامین اهواز واقع در کیلومتر 20 جاده مسجدسلیمان - شهر ویس در اعتراض به عدم امنیت شغلی دست از کار کشیدند.

- 25 - هفدهم شهریور رانندگان سرویس‌های رفت و آمد کارگران منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر نسبت به عدم پرداخت دستمزدهایشان اعتراض کرده و دست از کار کشیدند.
- 26 - کارگران شرکت برق کرمان در اعتراض به عدم امنیت شغلی و دستمزد نازل در روز 17 و 18 شهریور تجمع کردند.
- 27 - کارگران کارخانه تراورس اندیمشک به دلیل شرایط سخت کاری و دستمزد پائین و عدم دریافت چند ماه دستمزد در روز 16، 17 و 18 و 19 شهریور دست به اعتصاب زدند.
- 28 - گروهی از کارگران شرکت آب وفاضلاب آبادان روز چهارشنبه 19 شهریور، در اعتراض به عدم پرداخت ماهها دستمزد و حق بیمه دست از کار کشیده و مقابل اداره امور آبفای این شهرستان تجمع کردند.
- 29 - تجمع و تظاهرات کارگران کشتارگاه ماکیان لذیذ در برابر فرمانداری شوش در روز 20 شهریور در اعتراض به عدم دریافت چند ماه دستمزد.
- 30 - کارگران شرکت نساجی جلفاکاران منطقه آزاد در روز 24 شهریور در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدها اجتماع کردند
- 31 - اعتصاب و تجمع کارگران شرکت پارس سوئیچ زنجان در اعتراض به نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدها که از روز سه شنبه 11 شهریور آغاز شده بود روز پنجشنبه 20 شهریور ادامه یافت.
- 32 - روز پنج شنبه 20 شهریور کارگران دو کارخانه "صنایع غذایی ارومیه و شرکت تولیدی شوینده ارومیه در اعتراض به عدم امنیت شغلی و عدم پرداخت دستمزدها بطور جدا گانه دست به اعتراض زدند.
- 33 - گروهی از کارگران کارخانه کمپروسورسازی تبریز واقع در شهرک صنعتی غراملک روز پنجشنبه 20 شهریور در اعتراض به عدم پرداخت دو ماه دستمزد دست به تجمع زدند.
- 34 - گروهی از کارگران کارخانه کنتورسازی قزوین در روزهای 22 و 23 شهریور در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت شغلی و تعویق پرداخت دستمزدها مقابل درب دادگستری قزوین تجمع کردند دو کارگر با حکم دستگاه قضایی سرمایه باز داشت شدند.
- 35 - گروهی از کارگران داربست بند شرکت گاما در تهران روز شنبه 22 شهریور در اعتراض به سطح نازل دستمزدشان و افزایش ساعات کار دست از کار کشیده و تجمع کردند.
- 36 - اعتصاب کارگران پارس آمپول ساوه که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه از دیروز آغاز شده بود روز 23 و 24 و 26 و 31 شهریور ادامه یافت.
- 37 - روز دوشنبه 24 شهریور ماه گروهی از کارگران معدن سنگ آهن زمین زرنند در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان از طرف شرکت "توسعه فولاد زراوند" دست به تجمع زدند.
- 38 - روز دوشنبه 24 شهریور، گروهی از کارگران کارخانه ماشین‌آلات تراکتورسازی ایران نسبت به عدم امنیت شغلی و عدم پرداخت چندین ماه دستمزدهای معوقه دست به اعتراض زدند.
- 39 - روزهای 25 و 27 و 29 شهریور کارگران شرکت شرق سازه کویر زابل به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه شش ماهه خود تشکیل اجتماع داده و تظاهرات کردند.
- 40 - گروهی از کارگران سایت پسماند صفیره اهواز بار دیگر روز شنبه 29 شهریور ماه با برپایی تجمع مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر اهواز خواستار تضمین اشتغال و پرداخت دستمزدهای خود شدند.

- 41 - کارگران کارخانه نساجی پاکان واقع در جنوب شرق تهران روز شنبه 29 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت به موقع مزدها، عدم پرداخت حق بیمه و خطر جدی بیکار شدن دست به تجمع زدند.
- 42 - گروهی از کارگران اداره آب و فاضلاب شهرستان خلخال واقع در استان اردبیل روز شنبه 29 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت 8 ماه دستمزد معوقه خود دست به تجمع زدند.
- 43 - شماری از کارگران اخراجی کارخانه کاشی ایرانا روز شنبه 29 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات معوقه خود مقابل شرکت تجمع کرده و خواستار بازگشت به کار شدند.
- 44 - اعتراض کارگران آب معدنی داماش که از اوایل شهریور علیه تعویق مزدها، بیکارسازی ها و سطح نازل مزد به صورت برپایی تجمعات در مقابل کارخانه و مراکز دولتی رودبار آغاز شده بود روز 30 شهریور نیز ادامه یافت.
- 45 - جمعی از کارگران پیمانکاری پالایشگاه آبادان روز یکشنبه 30 شهریور با تجمع در مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه خواستار افزایش دستمزد شدند.
- 46 - کارگران شرکت صنعتی- معدنی کارکاوان جلیلی سوادکوه در اعتراض به سطح نازل دستمزد، شرایط سخت کار، عدم ایمنی معدن روز 30 و 31 شهریور اعتصاب کردند.
- 47 - جمعی از کارگران کارخانه قند تربت جام در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و بیمه، در 31 شهریور مقابل ساختمان اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- 48 - تعدادی از کارگران پروژه قطار شهری اهواز روز دوشنبه 31 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت 15 ماهه دستمزدها دست از کار کشیده و تظاهرات کردند.
- 49 - صبح روز سه شنبه یک مهر ماه کارگران معدن زغال سنگ سوادکوه، برای سومین روز متوالی، در اعتراض به سطح نازل دستمزد، فقدان حداقل شرایط بهداشتی و نبود هیچ میزان ایمنی محیط کار دست به اعتصاب زدند و مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.
- 50 - کارگران کارخانه قند تربت جام روز سه شنبه 1 مهرماه نیز به مبارزات خود ادامه دادند. آنها خواستار پرداخت مزدهای معوقه و بیمه خود هستند.
- 51 - رانندگان خودروهای استیجاری شرکت نفت و گاز گچساران روز 2 و 3 مهر به دلیل عدم پرداخت چندین ماه دستمزد اعتصاب کردند.
- 52 - رانندگان کمپرسی داران کرج در اعتراض به پایین بودن نرخ کرایه و کاهش دستمزدشان دست از کار کشیده و اعتصاب نمودند. آنان با هدف رساندن فریاد خویش به گوش همزنجیران در کنار جاده صف بستند.
- 53 - روز جمعه 4 مهر برای سومین روز متوالی، کارگران کارخانه فرش آستان قدس رضوی کاشمردر اعتراض به سطح نازل دستمزد از رفتن به سرکار خودداری کردند.
- 54 - روز جمعه 4 مهر ماه جمعی از کارگران کارخانه پلی اکریل اصفهان در اعتراض به تعطیلی کارخانه و بیکارسازی دست به اعتراض زدند.
- 55 - کارگران شرکت آب و فاضلاب کرمانشاه روز شنبه 5 مهر ماه در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد در محوطه شرکت تجمع کردند.
- 56 - روز شنبه 5 مهر ماه، کارگران مجتمع فولاد زرن در اعتراض به عدم پرداخت 4 ماه مزد و تهدید به اخراج از سوی کارفرما، دست به تجمع زدند.

- 57 - کارگران بخش دفع آفات کشاورزی که در نیشکر هفت تپه مشغول کار هستند، نسبت به وضع اشتغال خود و تغییر شکل استخدام از پیمانی به قرار داری، در روز یکشنبه 6 و 7 مهر ماه، در محل کار خود در زمین های زیر کشت، دست به اعتراض زدند، این اعتراض آماج یورش قوای انتظامی قرار گرفت اما کارگران مقاومت نموده و بر مطالبات خود اصرار وریدند.
- 58 - جمعی از آتش نشانان اصفهان روز 7 مهر با برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل استانداری خواستار پرداخت دستمزدهایشان شدند.
- 59 - جمعی از زنان کارگر کارخانه سایت پسماند صفیره که به تفکیک زباله اشتغال دارند، روز 8 و 9 مهر بار دیگر در اعتراض به بلاتکلیفی و بیکار شدن خود مقابل سازمان مدیریت پسماند شهر اهواز تجمع کردند.
- 60 - کارگران کارخانه قند مهاباد روز 8 مهر در اعتراض به عدم دریافت دستمزد و اخراج تعدادی از همزنجیران اعتصاب کرده و کارخانه را تعطیل نمودند.
- 61 - کارگران بخش های مختلف شرکت برق ویس (رامین) روز 8 مهر در محوطه بیرونی شرکت در مسیر اهواز ملاثاتی در اعتراض به عدم دریافت چند ماه دستمزد. اجتماع نموده و فریاد اعتراض سر دادند.
- 62 - کارگران شرکت بهره برداری شبکه های آبیاری و زهکشی کارون بزرگ روز سه شنبه 8 مهر ماه با برپایی تجمع در محل کار خود خواستار افزایش دستمزد و تضمین اشتغال خود شدند. .
- 63 - روز چهارشنبه 9 مهر، کارگران بخش خدمات شرکت پتروشیمی اروند در اعتراض به خطر بیکاری و اقدام پیمانکار جدید برای تغییر قراردادهای کار برای بار دوم دست به اعتراض و برپایی تظاهرات زدند.
- 64 - روز های 9 و 12 مهر کارگران نیروگاه سیکل گازی آبادان با حضور در مقابل ورودی نیروگاه تجمع اعتراضی برگزار کرده و خواستار دریافت چند ماه دستمزد معوقه و تضمین اشتغال خود شدند.
- 65 - کارگران مترو 5 تهران روز شنبه 12 مهر ماه نسبت به عدم پرداخت دستمزد، حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه خود دست به تشکیل اجتماع زدند. شماری از این کارگران که به بیماری کووید 19 نیز مبتلا شده اند می گویند "به خاطر عدم پرداخت حق بیمه از طرف شرکت تراورس و نداشتن هزینه تست و بستری شدن در بیمارستان، فاقد هر نوع امکان مداوا هستند. جانشان قویا در خطر است. بیمارستان حاضر به پذیرش آنها نیست. ماهها است هیچ ریالی دریافت نکرده اند و هیچ روزنه ای به ادامه زندگی پیش روی خود نمی بینند.
- 66 - معلمین قراردادی آموزش و پرورش در اعتراض به سطح نازل دستمزد هایشان و بلاتکلیفی شغلی در طول ماه شهریور و مهر دست به اعتراض زدند. سه شنبه 4 شهریور آموزگاران قراردادی مقابل مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.
- 67 - جمعی از مربیان پیش دبستانی دزفول، روز دوشنبه 10 شهریور ماه در اعتراض به وضعیت متزلزل و بی فرجام اشتغال خویش مقابل ساختمان فرمانداری این شهر تجمع کردند.
- 68 - روز چهارشنبه 12 شهریور ماه جمعی از معلمان حق التدریسی سراسر کشور با رفتن به تهران و برپایی تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش خواستار تعیین تکلیف وضع اشتغال خود شدند.
- 69 - جمعی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی، معلمان حق التدریس و مربیان پیش دبستانی شهرستان های شوشتر و گنوند در اعتراض به وضع رقت بار اشتغال خود روز های 18 و 23 شهریور دست به تجمع زدند.
- 70 - صبح روز چهارشنبه 19 شهریور ماه برای چهارمین روز متوالی پذیرفته نشدگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی کشور در اعتراض وضع نامعلوم اشتغال خود در مقابل مجلس تجمع کردند.

- 71 - کارگران پیمانی اخراجی اداره آموزش ورزش، شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در روز 6 مهر مقابل فرمانداری گچساران تظاهرات نمودند. آنان خواستار بازگشت به کار می باشند.
- 72 - روز شنبه 12 مهر ماه برای چندمین بار جمعی از از مربیان پیش دبستانی و معلمان حق التدریس تهران در اعتراض به ادامه بلاتکلیفی خود در مقابل سازمان آموزش و پرورش تجمع کردند
- 73 - در روزهای اخیر توده های کارگر در اعتراض به تخریب محیط زیست توسط سرمایه داران و دولت در چند جا دست به تظاهرات زدند. اهالی روستای فاقلوی شهرستان تیکان تپه (تکاب) در استان آذربایجان غربی، روز های 21 تا 24 شهریور با تجمع در اداره کل منابع طبیعی این استان خواستار توقف فعالیت معادن این منطقه شدند.
- 74 - جمعی از اهالی سرفقات ایذه روز چهارشنبه 26 شهریور ماه در اعتراض به وضعیت نامناسب بهداشتی محیط زندگی مقابل شهرداری این شهر تجمع کردند.
- 75 - اهالی روستای "نیوان نار" در شهرستان گلیاپگان استان اصفهان روز 8 مهر با تجمع در مقابل ماشین آلات سنگین خواستار توقف ساخت و ساز گاوداری صنعتی در 5 کیلومتری این روستا شدند.
- 76 - اهالی منطقه گلرزم در جنوب کرمان روز پنجشنبه 10 مهر ماه در اعتراض به فعالیت معدن سیلیس دست به تجمع زدند. این اعتراضات در روز های 20 و 21 شهریور نیز ادامه یافت.

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان (متن تکمیلی 16)

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید 19 مولود سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه بر زندگی توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت طبقه کارگر ایران از غالب مناطق جهان فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید 19 تن به کار شاق دهند و خطر مرگ را به جان خریدند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار و عزمی راسخ، کوشیدند تا از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آنها در این گذر دست به ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسانها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهانند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در شانزدهمین متن تکمیلی آمار کشتگان (بین سوم شهریور تا دوم مهر) می آوریم صرفا در برگیرنده نامهایی است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان و کنترل جمهوری اسلامی بیرون آریم.

299	کوروش نیک نیایی متخصص بیهوشی بیمارستان گاندی	300	حمید رشیدی رنجبر جراح بیمارستان شهر نور
301	محمد پدرام متخصص خون بیمارستان اهواز	302	کبری باقری پرستار جوان بیمارستان کرج
303	محمد حسن کاظمی یزدی رادیولوژیست هشتگرد	304	خوجم بردی چرکزی بهورز گنبد کاووس
305	مهديه ماکویی پرستار با آتش گرفتن لباس ایزوله کرونا	306	اویس ابراهیم زاده پزشک جوان بندر عباس

307	میثم افضلی پرستار جوان اورژانس کرمان	308	کمال ابوترابی متخصص علوم آزمایشگاهی فیروزگر
309	بهزاد قلعه نویی داروساز تهران	310	توحید محرمی جراح بیمارستان پلدختر
311	حمیدرضا مهدوی تالار پستی پزشک فریدونکنار	312	مصطفی خرمشاهی جراح دانشگاه علوم پزشکی
313	محمود پویانی راد متخصص بیهوشی فیروزگر	314	احمد طالبی پرستار بیمارستان امین اصفهان
315	محمد نوریان متخصص مغز و اعصاب اصفهان	316	یوسف رهبری متخصص بیهوشی بیمارستان مراغه
317	زهرا بی آزار پرستار جوان بیمارستان میلاد تهران	318	محمد رسول حرفتکار جراح دانشگاه پزشکی گیلان
319	محسن بهبهانی پزشک شیراز	320	یوسف نوریان پرستار بیمارستان الشتر
321	مصطفی عظیمی بهورز بیمارستان فیاض تهران	322	رضا گرجی پرستار بیمارستان بانک ملی تهران
323	عبدالغفور محمدی بهورز شهرستان سراوان	324	غائب قلیچ خرمالی داروساز بندر ترکمن
325	مسلم سهیلی فر پرستار خانواده تهران	326	زهره قاسمی مامای شهرستان فلائرجان
327	فاطمه شفیق نژاد پرستار بیمارستان ساری	328	محمد رضا محمد حسینی پزشک اورژانس بندر عباس
329	محمد رضا مصطفوی پرستار جوان بیمارستان رفسنجان	330	پرپسا رفیعی مامای 27 ساله باردار بیمارستان بروجن
331	پیام رحمانی پرستار اورژانس کرمانشاه	332	طاهره رجبی فیزیوتراپیست تهران
333	عذرا ابراهیمی کمک پرستار بیمارستان کرمانشاه	334	تورج شایان راد سوپروایزر بیمارستان شیراز
335	حسن ابن الشهیدی متخصص قلب بیمارستان اصفهان	336	آراس رسولی روانشناس دانشگاه پزشکی پاره
337	قیصر نفیسی کارگر تجهیزات درمانی بیمارستان پارس	338	فاطمه پایون پرستار جوان بیمارستان باشت
339	سهیلا مزارع فیزیوتراپیست بیمارستان شاهین شهر	340	محمود پرجوش پرستار جوان بیمارستان خواب
341	علی صفرو پرستار جوان بیمارستان مدرس	342	سیامک حسین زاده پرستار اورژانس فارس
343	فاطمه میثمی کارگر پذیرش بیمارستان کودکان تهران	344	فرزین ره انجام دندانپزشک کرج
345	شیرین رضایی پرستار جوان بیمارستان لقمان	346	مهدی بهشتی متخصص اطفال بیمارستان راور

اخبار و گزارشات مربوط به پاندمی کرونا در ایران و جهان :

سازمان عفو بین الملل : 14 شهریور بیش از هفت هزار نفر از کارکنان بهداشت و درمان در سراسر جهان به علت ابتلا به ویروس کرونا جان خود را از دست داده اند. در آمریکا یک هزار و 77 نفر، انگلیس 649 نفر، برزیل 634 نفر، روسیه 631 نفر، هند 573 تن و مکزیک یک هزار و 300 تن از کارکنان بهداشت و درمان به علت کرونا جان خود را از دست داده اند.

17 شهریور پژوهشگران از ایتالیا و سوئد بین تعداد قابل توجهی از کودکان مبتلا به کووید-19 سندرم MIS-C (Multisystem inflammatory Syndrom in children associated with Covid-19) را کشف کردند که نشانه های این بیماری از این قبیل اند: تب بالا، درد شدید در معده و عضلات شکم، گیجی و از دست دادن زمان و مکان، بر هم خوردن نظم کار قلب. این نشانه ها در کودکان اغلب یک یا دوماه بعد از ابتلاء به کووید-19 بروز می کند. پژوهشگران می گویند این عوارض ناشی از حمله سیستم دفاعی بدن به ارگان ها و اعضای بدن است. آن ها در گزارش خود تاکید می کنند که همین عارضه و سندرم ممکن است هنگامی که کودکان و جوانان واکسن کووید-19 دریافت می کنند بروز کند. این بخصوص کودکان دارای امراض زمینه ای نظیر دیابت و امراض عرقی-قلبی را تهدیدی

جدی می دانند. نشانه های این بیماری خطرناک که ممکن است تمامی عمر با آن ها باشد را از مریضی کاواساکی که برخی نشانه های مشابه دارد کاملاً جدا می دانند.

حال به وضعیت کودکان ایران در رابطه با آغاز سال تحصیلی و بازگشایی مدارس بپردازیم: حدود سیزده میلیون دانش آموز در ایران وجود دارند، آیا این دانش آموزان همه سالم و فاقد بیماری زمینه ای هستند؟ و تقریباً یک میلیون معلم آن ها چی!

17 شهریور: به گزارش خبرنگار حوزه بهداشت و درمان گروه اجتماعی خبرگزاری آنا، برخلاف باوری که در ماه های نخست شیوع کرونا در مورد عدم امکان ابتلای کودکان به بیماری کرونا وجود داشت، اکنون آمارهای منتشر شده نشان می دهد از ابتدای شیوع کرونا در ایران، بیش از 30 هزار (30067) کودک و نوجوان مشکوک به کرونا بستری شده اند. از این تعداد 4 هزار و 276 کودک و نوجوان با ابتلای قطعی به کووید-19 بستری شده اند و متأسفانه تاکنون 248 کودک و نوجوان مبتلای قطعی به کرونا در کشور جان باخته اند.

18 شهریور: اردشیر مطهری، نماینده ی مجلس، می گوید عامل بازگشایی مدارس فشار مدیران آموزش و پرورش بوده که خود مالک مدارس خصوصی متعددی هستند و برای وصول شهریه های کلان از والدین دانش آموزان و از دست ندادن مشتریان خود بر بازگشایی مدارس با وجود وضعیت خطرناک بهداشتی پافشاری کرده و حرف خود را به کرسی نشانده اند و بدینگونه دانش آموزان و معلمان و والدین را قربانی سودجویی مالی خود ساخته اند. این در حالی است که همه مدارس اعم از دولتی و خصوصی بازند و دانش آموزان و معلمان را وادار به آمدن به مدرسه می کنند!!

21 شهریور فرمانداری شهرستان سلسله: 39 دانش آموز این شهرستان از 15 شهریور تا کنون به بیماری کرونا مبتلا شده اند.

26 شهریور معاون دانشگاه علوم پزشکی اصفهان: 163 دانش آموز و 48 معلم در این ایام به کرونا مبتلا شده و 2863 دانش آموز هم یکی از اعضای خانواده شان گرفتار بیماری شده است.

29 شهریور ابتلای یک سوم کادر درمان بیمارستان امام رضا در مشهد به کرونا کمبود نیروی تازه نفس و تجهیزات. 30 شهریور از شروع بازگشایی مدارس تاکنون 13 کودک کرمانشاهی به دلیل ابتلا به ویروس کرونا فوت کرده و 178 کودک مبتلا شده اند.

31 شهریور رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد گفت در 12 روز گذشته ابتلای 36 معلم، 30 دانش آموز و دو سرایدار به کووید 19 ثبت شده است.

کادر درمان در مورد کودکان مبتلا به کووید-19 چنین گزارش می کنند: لازم به توضیح نیست که کودکانی که در این متون از آن ها گفته می شود بخش بسیار ناچیزی از کل کودکانی است که در سکوت با این پاندمی می جنگند، مریض و نابود می شوند و کسی حتی نامشان را نمی داند. در نظر اوریم که در این جهنم سرمایه داری طبق گزارشات مجلس اسلامی سرمایه 3.4 میلیون کودک حاشیه شهرها و در واقع کودکان کار وجود دارد که بیشک همگی آن ها بدون کوچکترین دفاع، هیچگونه امکان درمان همانگونه که با رژیم ضد بشری اسلامی سرمایه می جنگند با پاندمی آفریده آن نیز می جنگند اما این جنگ هیچ گونه دستاوردی برای آنان ندارد! بی نام نشان بدنیا می آیند، برای لقمه نانی روز شب

می جنگند، شب و روزشان در کف خیابانها، خاک و خله کومه ها می گذرد و با سکوت و بی نام و نشان سر بر بالین همین خاک می گذارند.

پسر پنج ساله به ظاهر سالم و بدون هیچ بیماری زمینه ای، به علت سردرد، گلودرد و تب خفیف به اورژانس بیمارستان ما آورده میشه. ساعت شیش عصر وارد اورژانس میشه و ساعت هفت در حالی که میخواستن پرونده بستری بخش برایش تشکیل بدن دچار تشنج شدید بیشتر از سه دقیقه میشه. به این صورت که فکش قفل میشه، دچار بی اختیاری ادرار میشه و از دهنش کف خارج میشه. همزمان کاهش سطح هوشیاری پیدا میکنه و دیازپام براش میزنن. چون فنوباربیتال، فنی توئین و سدیم والپروات موثر نبوده، با دستور رزیدنت ارشد میدازولام برای کنترل تشنج تزریق وریدی میشه و کد ۹۹ اعلام میشه. و در نهایت ساعت نه شب به ICU کودکان منتقل میشه. نمونه مایع مغزی نخاعی گرفته میشه و آنالیز اولیه انسفالیت رو نشون میده. اما علتش مشخص نبوده. نمونه دوم به مرکز بهداشت ارسال میشه تا بررسی بشه. نمونه سوم به آزمایشگاه معتبری خارج از بیمارستان فرستاده میشه. تست کووید گرفته میشه و شبانه به مرکز بهداشت فرستاده میشه. ساعت ۱۲ شب مریض دچار ایست قلبی میشه و یک نوبت احیا میشه. ریویس ICU از خونه میاد تا مریض رو اکو و سونوگرافی کنه. از ساعت ۱ نیمه شب تا ۴ صبح مریض دوبار احیا میشه. در نهایت ساعت ۵ صبح ختم احیا اعلام میشه. و طبق معمول جسد رو به پزشکی قانونی میفرستن. جواب نمونه مایع مغزی نخاعی انسفالیت قطعی بوده و تست کووید هم مثبت میشه. پسر پنج ساله با انسفالیت ناشی از کرونا فوت شد... مورد مشابه نیز ویانا کودک همکار اصفهانی بود که با همین علایم و انسفالیت ناشی از کرونا اسمانی شد.

کرونا، جان فرزند ۸ ساله زوج پزشک را گرفت ویانا دختر ۸ ساله کیوان محمدی و دکتر فهیمه ثابت پزشکان مدافع سلامت بیمارستان امین و خورشید اصفهان، بامداد روز جمعه بر اثر ابتلا به کرونا جان خود را از دست داد. دیروز یه کیس کووید کودک دوازده ساله داشتیم که تو قرنطینه خونگی بوده و وقتی که دیگه حالش خیلی بد شده و نمیتونسته نفس بکشه با اورژانس تماس گرفتن که متأسفانه با درگیری قلب و کاهش برون ده، از کار افتادن کلیه ها و در حالی که ریه اش دچار خونریزی شده بود و اون لحظه فقط خون بود که ساکشن میکردیم به اورژانس منتقل شده بود. مشغول احیا بودیم و در حین یک ساعت احیا دو بار ریتمش برگشت ولی در نهایت فوت کرد، بعد از این کودک هم یک بچه هشت ساله کروناهی باهمین علایم شدید به اورژانس منتقل شده بود، البته چون این یکی زودتر به مرکز ما اومده بود با احیا برگشت ولی تو بخش ویژه بستری هست و حال مساعدی نداره!!.

مبارزات و اعتراضات کارگران بخش درمان

2 شهریور در پی تجمعات پرستاران بیمارستانهای اصفهان به دلیل عدم دریافت مطالبات مزدی، اینروز تعدادی از پرستاران شیراز در همدردی با همکاران خود و وضعیت خویش دست به اعتراض زدند.

9 شهریور 99 از مسائل مهم مطرح در این روزها انتشار این ویروس از طریق پسماندهای آلوده است این در حالیست که رئیس اداره محیط زیست سرمایه میگوید: «هنوز برنامه ای برای تعبیه مخازن زباله جداگانه و جمع آوری جداگانه ماسک، دستکش و تجهیزات حفاظتی از سوی شهرداری و سایر مجموعه های دست اندرکار دریافت نکرده ایم.»

10 شهریور نزدیکان زندانیان به کانون حقوق بشری نه به زندان - نه به اعدام گفتند: «مسئولان زندان تهران بزرگ مداحان حکومتی را وارد زندان کرده و در سالن های مختلف جابجا میکنند، همین امر موجب انتشار هرچه بیشتر

ویروس کرونا در این زندان جهنمی شده است، در سالنهای تیپ ۵ زندانیان با ابتلاء به کرونا بدون سروصدا می میرند و علت مرگ آنها مخفی نگه داشته می شود؛ با اینحال مسئولان زندان بی توجه به وضعیت جسمی زندانیان بر اجرای نوحه خوانی و مراسم گروهی اصرار دارند امری که موجب مرگهای بیشتری در این زندان میشود».

روز چهارشنبه 12 شهریورماه ۱۳۹۹، جمعی از نیروهای قراردادی بیمارستان شهرستان باشت در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود، در فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

13 شهریور : کارکنان شرکتی بیمارستان شهر باشت در استان کهگیلویه و بویراحمد روز پنجشنبه 13 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت 7 ماه دستمزد و سایر مطالبات دیگر خود دست از کار کشیده و مقابل فرمانداری تجمع کردند. روز شنبه 15 شهریور تعدادی از پرسنل بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به عدم دریافت 3 سال دستمزدهای معوقه تجمع کردند.

روز شنبه 15 شهریور تعدادی از کادر درمان بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به عدم دریافت ۳ سال حقوق معوقه تجمع کردند.

کارگران شرکتی بیمارستان بقایی اهواز روز سه شنبه 25 شهریور ماه در اعتراض به عدم پرداخت 3 ماه دستمزد معوقه خود در محوطه بیمارستان تجمع کردند.

کارگران پیمانی بیمارستان دهدشت روز چهارشنبه 26 شهریور ماه بار دیگر در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود دست به تجمع زدند.

جمعی از کارکنان بیمارستان جلیل یاسوج روز پنجشنبه 27 شهریور ماه برای چندمین بار در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه دستمزد معوقه خود در محوطه بیمارستان تجمع کردند.

روز سه شنبه اول مهر، جمعی از کارکنان شرکتی و پیمانکاری بیمارستان های گلستان، خمینی، رازی، و بقایی - 2 اهواز در اعتراض به بلاتکلیفی معیشتی و شغلی به طور جداگانه دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه دوم مهر پرستاران و کادر درمانی بیمارستان پیوند اعضا ابن سینا در مقابل دانشگاه علوم پزشکی شیراز در اعتراض به عدم دریافت چند ماه دستمزد دست به اعتراض زدند.

کارگران ضد سرمایه داری